

استادان دانشگاه، اعضای مجلس و پژوهش‌گران:

تمرکزگرایی قدرت بی‌اعتمادی

ملی را به بار آورده است

پیامدهای تمرکزگرایی در افغانستان بی‌عدالتی اجتماعی، گسترش تبعیض قومی، مذهبی و حتا تبعیض محلی بوده است. فساد اداری و مالی در افغانستان، رشد بی‌اعتمادی ملی، مختل شدن پروسه ملت‌شدن و ایجاد فاصله میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شونده‌گان از دیگر پیامدهای تمرکزگرایی در افغانستان است. زمانی که یک والی احساس کند که صلاحیت و مسوولیت دارد و در برابر مردم پاسخگو است، در آن صورت قانون بهتر می‌تواند تطبیق شود و این نگره کاملاً اشتباه است که در نظام متمرکز می‌تواند قانون خود تطبیق شود و غیرمتمرکز شدن سبب قانون‌گریزی می‌گردد. به هر حدی که نظام متمرکز باشد، به همان اندازه قانون‌گریزی، فساد، رشوه و عدم پاسخ‌گویی بیشتر می‌شود

شکوه

عاشق‌سواران

نه گفتن به فساد و فسادگستری



صفحه ۶

آگاهان سیاسی در پیوند به سفر دکتر غنی به چین:

در عملی‌سازی توافقنامه‌ها مثل حکومت‌گری عمل نشود

ناجیه نوری

عملی‌سازی چهار توافق‌نامه امضا شده میان افغانستان و چین به دلیل تقابل پکن و واشنگتن با چالش‌های جدی مواجه است.

آگاهان سیاسی - نظامی با بیان این مطلب می‌گویند، چون افغانستان با امریکا و ناتو موافقت‌نامه امنیتی امضاء کرده و متحد آن محسوب می‌شود، بنابراین بعید به نظر می‌رسد که چین با افغانستان در زمینه موافقت‌نامه‌های امضا شده صادقانه همکاری کند.

در سفر دکتر غنی به چین که در اوایل هفته گذشته صورت گرفت، دو طرف چهار توافق‌نامه در زمینه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی امضا کردند. این توافقنامه‌ها شامل برداشتن شرط ویزای ورود

برای گذرنامه‌های سیاسی دو کشور، ارائه خدمات بشردوستانه از سوی چین به افغانستان، گسترش همکاری‌های فنی و اقتصادی و گسترش روابط میان اتاق‌های تجارت افغانستان و فدراسیون صنعت و تجارت چین بود.

شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین در دیدارش با دکتر غنی وعده کمکی به ارزش ۵۰۰ میلیون یوان، معادل ۸۲ میلیون دلار را به افغانستان تا پایان سال جاری میلادی داد و گفت در سال‌های آینده میزان این کمک‌ها تا یک و نیم میلیارد یوان افزایش خواهد یافت.

او همچنین وعده سپرد که کشورش در پنج سال آینده، ۵۰۰ بورس تحصیلی در اختیار دانشجویان افغانستان



قرار خواهد داد و علاوه بر آن به ۳۰۰۰ کارمند دولت افغانستان در زمینه‌های تخصصی و ارتقای ظرفیت آموزش خواهد داد.

اما آگاهان سیاسی هرچند...

ادامه صفحه ۶

دکتر غنی:

صلح دشوار و اما اجباری است



خط دیورند و دیگری کنترل سیاسی خارجی افغانستان.

اما رییس‌جمهور غنی در کنفرانس روز شنبه ۱۰ عقرب ۱۳۹۳ پس از برگشتن از سفر چین گفت: «صلح آسان نیست، اما اجباریست. اگر آسان می‌بود در سال‌های گذشته انجام می‌شد. اقدامات ما در هریک از حلقه‌ها پنج‌گانه...»

ادامه صفحه ۶

نامزدان معترض شوراهای ولایتی:

چوکی‌های شوراهای ولایتی

خرید و فروش شده است



ده‌هاتن از نامزدان انتخابات شوراهای ولایتی افغانستان، روز گذشته در کابل دست به تظاهرات زدند.

آنان با سردادن شعارهایی بر ضد کمیسیون‌های انتخاباتی از شهرک آریا تا به چهارراهی زنبق شهر کابل به تظاهرات خود ادامه دادند.

این تظاهرات کنندگان از حکومت خواستند تا به صدای‌شان گوش داده و...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



توافق‌نامه سیاسی تقسیم قدرت و صلاحیت است نه تقسیم وظیفه!

بحثی در فلسفه اخلاق ایمانویل کانت



نگاهی اجمالی به آرای ویل‌دورانت در باب زیبایی

موگابه و «کودتای اتاق خواب»!



ترتیب‌کننده: محمد منصوریان

نظری پریانی در گفت‌وگو با هفته‌نامه ایتلاف مله:

توافق‌نامه سیاسی تقسیم قدرت و صلاحیت است نه تقسیم وظیفه!

در همین حال نظری پریانی، با یادآوری از توقع و خواست مردم افغانستان از رییس اجرایی دولت وحدت ملی، می‌گوید: بر مبنای تعهداتی که جناب داکتر عبدالله عبدالله به مردم افغانستان داده است، بایستی هرچه زودتر اصلاحات جدی و اساسی را در کمیسیون‌های انتخاباتی به میان آورد و تا آن زمان هیچ انتخاباتی در کشور برگزار نشود.

او در عین حال خاطرنشان می‌کند که نباید هیچ امیدی و انتظاری در قسمت اصلاح کمیسیون‌های انتخاباتی، از نهاد ریاست جمهوری داشته باشیم و قطعاً داشتن هر نوع انتظار از آقای اشرف‌غنی در قسمت اصلاح یا بازخواست از مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی،

مشروعیت می‌بخشد، هشدار می‌دهد: اگر ریاست جمهوری و حلقات پیرامون آن بخواهند که در سیاست اعمالی‌شان، توافقات سیاسی را کنار بزنند، در واقع به مشروعیت نظام و دولت وحدت ملی پشت پا زده‌اند. به عبارت دیگر، هرگاه توافقات سیاسی مورد توجه قرار نگیرد و داکتر عبدالله به عنوان نقطه مشروعیت و تعیین‌کننده‌گی دولت وحدت ملی، خود را ناراض احساس کند و وادار به موضع‌گیری دیگر شود، هیچ نقطه مشروعیت‌بخشی برای دولت وحدت ملی نمی‌تواند وجود داشته باشد. او در حالی که انتظار دارد دولت وحدت ملی آیینة تمام‌نمای مردم افغانستان باشد، می‌گوید: هم ریاست جمهوری و هم ریاست اجرایی،

ایجاد دولت وحدت ملی، آن‌هم پس از ماه‌ها جنجال و کشمکش، روزنه‌های امید را به مردم افغانستان که تشنه امنیت و آرامش‌اند، گشود. با این حال هنوز هم مردم نگران‌اند و منتظر تا ببینند که آیا درخت امیدشان به ثمر خواهد نشست یا هم‌چنان محکوم به انتظار خواهند بود.

به همین منظور هفته‌نامه ایتلاف ملی، گفت‌وگویی را با نظری پریانی، مدیر مسوول روزنامه ماندگار و از روزنامه‌نگاران منتقد حکومت پیشین انجام داده است. نخستین پرسش از او این‌گونه مطرح شده است که: کارکرد دولت وحدت ملی در یک ماه گذشته را چه‌گونه ارزیابی می‌کنند؟

آقای پریانی می‌گوید که هنوز یک ماه از مدت زمان کاری دولت وحدت ملی می‌گذرد و در این مدت کم، بسیار زود است که ما در مورد کارکرد دولت وحدت ملی در افغانستان قضاوت بکنیم؛ زیرا هر نوع قضاوتی می‌تواند شتاب‌زده و نابه‌جا باشد. با این‌همه، وی ایجاد نهاد اجراییه و آغاز فعالیت صدر اعظم اجرایی را مهم‌ترین اقدام در این مدت عنوان می‌کند.

در همین حال، مدیر مسوول روزنامه ماندگار، با انتقاد از شماری از رسانه‌های همه‌گانی و مقامات و شخصیت‌های دولتی و سیاسی در کاربرد واژه «حکومت وحدت ملی» می‌گوید: تا جایی که از توافق سیاسی صورت‌گرفته میان داکتر عبدالله رییس‌جمهور با میانجی‌گری امریکا و ملل متحد برمی‌آید، در آن‌جا توافق روی دولت وحدت ملی است، نه حکومت وحدت ملی. به عبارت دیگر، در دولت وحدت ملی که پس از به بحران مواجه شدن کشور به میان آمده است، قدرت و صلاحیت در میان دو تیم مدعی تقسیم می‌شود و با این تقسیم قدرت و صلاحیت در «دولت وحدت ملی»، موقف و صلاحیت‌های رییس اجرایی و همچنان رییس‌جمهور به شکل مساویانه مشخص می‌شود و همه نزاع‌های سیاسی رفع می‌گردد.

اما در بحث «حکومت وحدت ملی»، متأسفانه تعریف این‌گونه نیست؛ یعنی در حکومت وحدت ملی به‌جای تقسیم قدرت، بیشتر تقسیم وظیفه در نظر گرفته می‌شود که با تعریف دولت وحدت ملی که تقسیم قدرت و صلاحیت است، در تناقض است.

مسئله تقسیم وظیفه در آن حکومت وحدت ملی به وجود می‌آید که رییس‌جمهوری آن از مجرای یک انتخابات شفاف و عاری از تقلب به شکل مشروع به قدرت رسیده باشد و سپس چنین رییس‌جمهوری به‌خاطر بهینه کردن اداره امور و دولت‌داری، از سایر جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی دعوت می‌کند که به حکومت او بپیوندند و به آن شخصیت‌ها و جریان‌ها و احزاب سیاسی، وظایفی را می‌سپارد و در حقیقت از آنان استحصالی وظیفه می‌کند. اما این مفهوم با توجه به شرایطی که در افغانستان به وجود آمده، قابل تطبیق نیست؛ زیرا در افغانستان انتخابات نتیجه نداد و هر دو طرف بر بنیاد یک توافق سیاسی دولت وحدت ملی را شکل دادند و قدرت را تقسیم کردند، نه وظیفه را. بنابراین باید به‌جای حکومت وحدت ملی، دولت وحدت ملی گفته شود.

مدیر مسوول روزنامه ماندگار هم‌چنان می‌افزاید که متأسفانه هنوز توافقات صورت‌گرفته مبنای کار دولت وحدت ملی قرار نگرفته است و حرکت‌هایی که از سوی ریاست جمهوری صورت می‌گیرد، تا کنون بدون نظرداشت توافق سیاسی بوده است. با این‌همه، ایجاد نهاد ریاست اجرایی، مهم‌ترین گام است در راستای توافق سیاسی که در این مدت برداشته شده است. آقای پریانی ضمن بیان این مطلب که توافقات سیاسی تنها مبنایی است که دولت کنونی را

سخن ماندگار از صلح کوزی تا صلح غنی

محمد اشرف‌غنی رییس‌جمهوری کشور در روزهای سفر به چین، از کشورهای جهان خواست که در امر تأمین امنیت و برقراری صلح، افغانستان را کمک کنند. او بر گفت‌وگوهای بین‌الافغانی به عنوان اصلی‌ترین راه رسیدن به تفاهم و پایان جنگ تأکید ورزید.

آقای غنی از آغاز کار ریاست‌جمهوری تا به حال در چند مورد طالبان و گروه‌های مسلح مخالف را مخاطب قرار داده و از آن‌ها خواسته است که به جریان صلح بپیوندند. لحن و ادبیات آقای غنی در هنگام مخاطب قرار دادن طالبان، با لحن و ادبیات آقای کوزی رییس‌جمهوری پیشین افغانستان، برخی تفاوت‌ها را نشان می‌دهد.

آقای کوزی همواره طالبان را «برادر» خطاب می‌کرد و از آن‌ها با التماس و تضرع می‌خواست که دست از جنگ بردارند. آقای کوزی به چهره‌ها و افراد خاصی تعلق خاطر داشت و فکر می‌کرد که از طریق آن‌ها می‌تواند طالبان را وادار به گفت‌وگوهای صلح سازد. تأکید بر رهایی ملا عبدالغنی مشهور به برادر از سران سابق طالبان که در پاکستان زندانی بود، و ملا معصم آغا‌جان از چهره‌های پیشین طالبان که در حال حاضر در ترکیه به‌سر می‌برد، می‌تواند از این نمونه‌ها باشند.

آقای کوزی نسبت به برنامه‌های کشورهای متحد افغانستان و به‌ویژه امریکا و آلمان در مورد مذاکرات صلح به‌شدت بدبین بود و فکر می‌کرد این کشورها به دنبال منافع خود، می‌خواهند از طالبان بهره‌برداری کنند. گشایش دفتر طالبان در قطر، با چنان واکنش تند آقای کوزی روبه‌رو شد که حتا مناسبات افغانستان با کشورهای غربی را تحت‌الشعاع قرار داد. آقای کوزی گفت‌وگو‌هایی را که به‌رهبری آلمان‌ها با برخی از سران طالبان صورت می‌گرفت، نوعی مداخله در امور داخلی افغانستان تعبیر می‌کرد و از این کشور و کشورهای نظیر آن خواست که به صلح به‌رهبری دولت افغانستان احترام بگذارند. آقای کوزی فکر می‌کرد که با رهسازی طالبان از زندان‌ها می‌تواند آن‌ها را نسبت به خود خوش‌بین سازد. آقای کوزی با ایجاد شورا و نهادهای ویژه می‌خواست مدیریت صلح را به گفته خودش افغانستان بدهد. آقای کوزی از طریق پاکستان و گاه با سیاست تضرع و التماس و به گفته مشاور پیشین امنیت، مهمانی دادن، تلاش می‌ورزید که پایگاه‌های شورشیان را در آن سوی مرزها ببندد و آن‌ها را وادار به گفت‌وگو و مذاکره کند.

این سیاست‌ها هرچند با سماجت از سوی رییس‌جمهوری پیشین تا آخرین دقایق حکومت‌داری او دنبال شدند، ولی در عمل ناکارآمدی و عدم موثریت خود را در طول ده سال اخیر ثابت کردند. آقای کوزی خلاف وعده‌های همیشه‌گی خود در عرصه صلح و تأمین امنیت افغانستان، با شکست بزرگی روبه‌رو شد؛ شکستی که هنوز پیامدهای آن دامن کشور را رها نکرده است.

اما سیاست‌های تازه دولت وحدت ملی آن‌گونه که ظاهراً خود را نشان می‌دهند، تفاوت‌هایی با سیاست‌های قبلی دارند. می‌گویم «سیاست‌های دولت وحدت ملی»؛ چون به گونه منطقی در سیاست‌های کلان کشور نقش رییس‌جمهوری و رییس اجرایی به یک میزان می‌تواند قابل محاسبه باشد. مسلماً با تشکیل دولت وحدت ملی، نگاه و ادبیات به صلح تغییر یافته و دیگر طالبان و گروه‌های شورشی در این ادبیات، «برادران ناراضی» نیستند، بل از آن‌ها به عنوان «مخالفان سیاسی» نام برده می‌شود. در همین حال، دولت وحدت ملی تلاش دارد نقش چین را در بحث صلح به عنوان یکی از بانفوذترین کشورهای منطقه بر پاکستان پرننگ سازد؛ چیزی که در گذشته به فراموشی سپرده شده بود.

سیاست‌های صلح دولت وحدت ملی الزاماً به گونه کیفی و ماهوی باید از سیاست‌های حکومت پیشین متفاوت باشد. در این سیاست‌ها باید نگاه به صلح، نگاهی استراتژیک باشد که بتواند به تعریف واضح از دشمن بپردازد و برنامه‌ی گام به گام را تدوین کند. دولت وحدت ملی نیاز به بازبینی و بازنگری در سیاست‌های صلح و گفت‌وگو دارد و اگر چنین نشود، بدون شک برنامه صلح به یک نتیجه قناعت‌بخش نخواهد انجامید.



نگاهی دور از برداشت درست سیاسی است. بنابراین اگر ریاست اجرایی از رییس تا پیاده کمیسیون‌های انتخاباتی را از نو نسازد و این نهادها را از بنیاد، بنیان‌گذاری نکند، ما در آینده‌ها باید از همه حرکت‌های دموکراتیک دست بشوییم و در هیچ انتخاباتی شرکت نکنیم. مدیر مسوول روزنامه ماندگار ضمن بیان این مطلب که وضعیت موجود یک صفحه جدید در تاریخ معاصر کشور است و می‌تواند فرصت‌های کلانی را برای افغانستان مساعد کند، می‌افزاید که هر دو طرف باید راهکارهایی را روی دست گیرند که بتواند ممد ادامه دولت وحدت ملی باشد؛ از جمله این راهکارها برگزاری انتخابات شفاف پارلمانی و برگزار کردن لویه جرگه قانون اساسی و سرانجام تعدیل قانون اساسی و ایجاد نخست‌وزیر اجرایی در قانون اساسی و تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی، صدارتی و یا نیمه‌ریاستی، مهم‌ترین گام در تحکیم دولت وحدت ملی و ایجاد اصلاحات است که بایستی طبق توافق سیاسی، در اولویت‌های کاری هر دو رهبر دولت وحدت ملی قرار داشته باشد.

بایستی به فکر ایجاد کابینه‌ی با شمولیت همه اقوام ساکن در کشور باشند و با نظرداشت تعهد افراد به دولت و سرزمین و با نظرداشت تخصص افراد این کار را صورت دهند. ما نباید در کابینه دولت وحدت ملی شاهد آن باشیم که حضور یک قوم خلاف تصور به پایین‌ترین حد ممکن و برعکس حضور یک قوم دیگر خلاف تصور در بلندترین حد ممکن قرار داشته باشد. آقای پریانی می‌افزاید: عدالت اجتماعی از نیازهای اصلی دولت وحدت ملی است که باید در کابینه‌ی که شکل می‌گیرد، لحاظ شود و این مسوولیت هر دو رهبر و هر دو سیاست‌مداری است که در رأس دولت وحدت ملی قرار گرفته‌اند و این‌ها باید به تعهدات و توافقی که انجام داده‌اند، وفادار باشند و صادق بمانند؛ زیرا هرگاه هرکدام از آن‌ها بخواهد بر دیگری غالب شود و یا دیگری را در عرصه دولت‌داری دور بزند، این کار ضربات مهلکی را بر مشروعیت نظام وارد می‌سازد. مسلماً رقابت‌های انتخاباتی پایان یافته و رهبران دولت وحدت ملی به رفاقتی نیاز دارند که در پرتو آن بتوانند کشور را به ثبات و مردم را به آرامش برسانند.

پوشش جدید زنان مسلمان در انگلیس



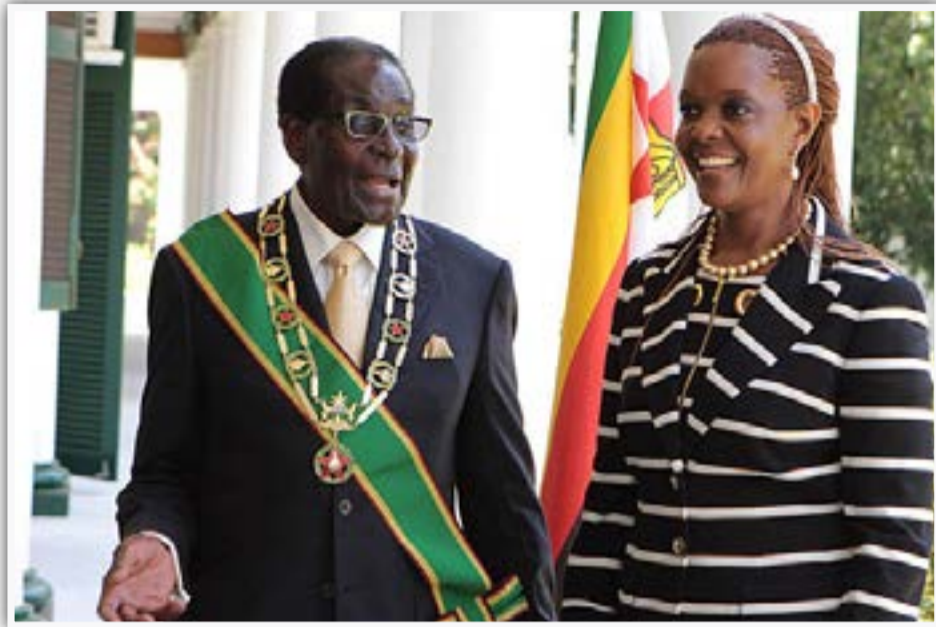
مسلمانان انگلیس در مسیر مبارزه با تهدید گروه‌های افراطی مجبور به استفاده از حجاب جدیدی شده‌اند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، جریان اصلی گروه‌های اسلامی از جمله جامعه اسلامی انگلیس از این پوشش حمایت کرده و از فروش این روسری‌ها سود می‌برد. فروش این روسری‌های ۲۲ پوندی از روز جمعه و طی مراسم صدمین سالگرد اهدای اولین جایزه به سرباز مسلمان طی جنگ جهانی اول آغاز شده است. خداداد خان، سرباز پاکستانی که برای انگلیس می‌جنگید و به دلیل شجاعت‌هایش در جنگ جهانی اول، اولین مسلمانی بود که از انگلیس جایزه دریافت کرد.

روسیه یک موشک بالستیک را «با موفقیت» آزمایش کرد



وزارت دفاع روسیه اعلام کرد یگان موشک‌های راهبردی این کشور روز شنبه یک موشک قاره پیمای بالستیک مدل **topol-m** را با شلیک از مکانی در شمال غرب روسیه آزمایش کرده است. به گزارش خبرگزاری ریا نووستی، وزارت دفاع روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد: موشک قاره پیمای بالستیک **Topol-M** که برای شلیک از سیلو طراحی شده اول نوامبر در ساعت ۹:۲۰ صبح به وقت محلی از پایگاه پلستسک در شمال غرب روسیه شلیک شد. به گفته این وزارتخانه، شلیک موشک **Topol-M** به منظور آزمایش مشخصه‌های فنی آن انجام شد. بر اساس بیانیه وزارت دفاع روسیه این موشک دقت بالا، و قابلیت‌های منحصر به فرد و در مجموع عملکرد خوب خود را به نمایش گذاشت و به هدف تعیین شده برای آن در برد آزمایشی واقع در شبه جزیره کامچاتکای روسیه اصابت کرد. وزارت دفاع روسیه پیشتر اعلام کرده بود، موشک‌های بالستیک **Topol-M** و **RS-24** که از نوع موشک‌های زمین به زمین قادر به حمل کلاهک‌های هسته‌ای روسیه هستند، تا سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۸۰ درصد از زارخانه یگان موشک‌های راهبردی این کشور را به خود اختصاص خواهند داد.

موگابه و «کودتای اتاق خواب»!



رابرت موگابه، رئیس جمهوری زیمبابوه پس از بررسی چند فرد برای جانشینی‌اش، در نهایت به دنبال برگزیدن همسرش در سمت ریاست‌جمهوری است. به نوشته روزنامه دلی تلگراف، رسانه‌های دولتی زیمبابوه در حالی که توجه خود را به سمت معاون رابرت موگابه، رییس‌جمهوری این کشور معطوف کرده بودند، وی «گریس موگابه» همسرش را برای جانشینی خود در نظر گرفته و همین امر باعث شده تا برای تصمیم موگابه ۹۱ ساله اصطلاح «کودتای اتاق خواب» را به کار ببرند. موگابه پس از ۲۰ سال بررسی اشخاص مختلف برای جانشینی‌اش، به نظر می‌رسد به دنبال انتخاب رهبر کشور از داخل خانواده‌اش و واگذاری آن به خانم موگابه است. اما تحقق این طرح نیازمند برکناری خانم «جویس موجورو»، معاون موگابه و دارنده عنوان جانشین ریاست‌جمهوری زیمبابوه است. روزنامه هرالد چاپ این کشور آفریقایی موجورو را مورد حمله قرار داده و وی را به زد و بندهای کثیف شامل معاملات غیرقانونی الماس، اخاذی و دریافت ۱۰ درصد از سهام کمپانی‌های خصوصی متهم کرده است. رییس‌جمهوری زیمبابوه در جریان سخنرانی در جمع هزاران تن از حامیان حضور این زن را که در ۳۴ سال ریاست‌جمهوری‌اش بر زیمبابوه معاونش بود، مردود دانست و وی را به پول‌پرستی متهم کرد و گفت: نقش خانم موجورو زمانی که حزب حاکم زانو-پی‌اف رهبری جدید خود را در دسامبر سال جاری میلادی انتخاب کند، پایان می‌یابد.

خانم موگابه ۴۹ ساله به عنوان آدمی خوش گذران در میان زیمبابوه‌ای‌ها معروف است و به همین دلیل یکی از افرادی است که مورد دشنام و ناسزا قرار می‌گیرد. این زن که یک تاپیست بود، زمانی که به عنوان منشی پارلمان در دهه ۱۹۸۰ فعال بود، با موگابه آشنا شد. گریس ماروفو نام اصلی این زن است و وی پیشتر با یک افسر نیروی هوایی ازدواج کرده بود اما موگابه همسر وی را با دادن پستی در سفارت زیمبابوه در چین از صحنه خارج کرد و در سال ۱۹۹۶ با وی ازدواج کرد. این زوج یک دختر و دو پسر دارند اما پسرانشان به خاطر صغر سن نمی‌توانند جانشین پدر باشند.

گریس موگابه با این صحبت‌ها قدم به قدم برای سمت ریاست‌جمهوری آماده می‌شود و البته فقدان هر گونه آموزش رسمی وی نیز هیچ اهمیتی ندارد چراکه از همسرش حکم دکتری دریافت کرده و همین امر باعث شده تا وی رییس دانشگاه زیمبابوه شود. خانم موگابه همچنین ریاست لیگ زنان حزب حاکم کشورش را برعهده دارد. در همین حال رهبر انجمن کهنه سربازان جنگ زمانی که موگابه را به توطئه‌چینی برای «کودتای اتاق خواب» متهم کرد، باعث ناراحتی و خشم بسیاری در حزب حاکم زیمبابوه شد اما موگابه ۹۱ ساله مدعی است که رهبر انجمن کهنه‌سازان جنگ «روح شیطان» را در خود دارد.

دلایل سویدن برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین



وزیر خارجه سویدن در تشریح دلایل این کشور برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین تاکید کرد که توقف مذاکرات سازش میان طرفین فلسطینی و صهیونیستی تحت تاثیر طرح‌های شهرک سازی جدید «اسرائیل» در اراضی اشغالی فلسطین که دستیابی به توافق در زمینه تشکیل دو کشور را با مانع جدی مواجه کرده است، از جمله مهمترین دلایل اتخاذ این تصمیم بود.

مارگوت والستروم خاطرنشان کرد که همگان دیدند که رژیم صهیونیستی چطور غزه را در معرض تجاوز بی‌رحمانه و خانمان سوز قرار داد و از همین رو، دولت سویدن قصد دارد با به رسمیت شناختن کشور فلسطین به شکل گیری آینده بهتر در منطقه کمک کند. والستروم طی مقاله‌ای تصریح کرده است: ما می‌خواهیم با تغییر موازنه نابرابر میان طرفین فلسطینی و صهیونیستی به آنها برای زندگی در داخل مرزهای رسمی جداگانه شان کمک کنیم و در این راستا، قدس را به عنوان پایتخت دو کشور قبول داریم و لزومی برای مبادله اراضی نمی‌بینیم. وی در ادامه مقاله خود آورده است: ما با این تصمیم می‌خواهیم جلوی کشته شدن کودکان غزه‌ای و تکرار حوادث جنگ اخیر غزه برای کودکان شش ساله‌ای را که طی سه سال اخیر شاهد سه جنگ بزرگ بوده‌اند، بگیریم و شرایط زندگی مسالمت آمیز و امن آنها در کشور دموکراتیک فلسطین را فراهم کنیم. وزیر خارجه سویدن همچنین با اشاره به این موضع دولت سویدن که شرایط و معیارهای حقوقی بین‌المللی برای به رسمیت شناخته شدن کشور فلسطین فراهم شده است، تاکید

روسیه برای جنگ جهانی سوم آماده می‌شود؟

پس از افزایش شدید فعالیت‌های نظامی روسیه در شمال آتلانتیک و افشاگری‌هایی از شبیه سازی یک حمله علیه دانمارک در تابستان سال جاری، به نظر می‌رسد مسکو در حال تشدید ترس‌ها و نگرانی‌ها نسبت به وقوع جنگ جهانی سوم است. به گزارش پایگاه اینکویرست (Inquist) به گفته سرویس اطلاعاتی وزارت دفاع دانمارک، این حله شبیه سازی شده طی تابستان سال جاری و در جزیره «بورن هولم» رخ داده است. براساس اطلاعات سرویس، روسیه در ماه جون و همزمان با گردهم آیی ۹۰۰۰ تن از مقامات عالی اقدام به ارسال جنگنده‌های مسلح به موشک‌های واقعی به این جزیره کرده است. مقامات دانمارکی پیش بینی می‌کنند که فعالیت‌های نظامی روسیه مقدمه جنگ جهانی سوم است. روسیه طی هفته‌های اخیر در حال آماده کردن ارتش و آزمودن توان دفاعی ناتو بوده است. این کشور ۱۹ هواپیمای جنگی را برای آزمودن نیروهای دفاعی ناتو و کشورهای همسایه به کار گرفت. در همین زمان روسیه همچنین در دریای بارتنس در شمال سوئد اقدام به آزمایش یک موشک بالستیک کرده است. مقامات نیروهای هوایی آمریکا نیز معتقدند این اقدامات نظامی روسیه می‌تواند به معنی آمادگی برای جنگ جهانی سوم باشد.



کرد: درست است که تشکیلات خودگردان کنترل کاملی بر هیچ کدام از دو منطقه کرانه باختری و غزه ندارد، اما پس از توافق آشتی ملی میان جنبش‌های فتح و حماس و روی کار آمدن دولت وفاق ملی، وضعیت آن بهتر شده است و در این شرایط، به رسمیت شناختن فلسطین به خاطر اشغالگری رژیم صهیونیستی مغایر اصول حقوق بین‌الملل است. والستروم با اشاره به اینکه قبل از سویدن ۱۳۰ کشور جهان، فلسطین را به رسمیت شناخته بودند، خاطر نشان کرد که استکهلم قبل از این نیز در سال ۱۹۹۲ کشور کرواسی و در سال ۲۰۰۸ کوزوو را با وجود عدم کنترل کامل آنها بر اراضی شان به رسمیت شناخته بود. وی تصریح کرده است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ آمادگی خود برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین را اعلام کرده بودند و به نظر می‌رسد که اکنون فرصت مناسبی برای عملی شدن این موضع است و دولت سویدن در سایه شرایط دشوار منطقه هیچ دلیلی برای تاخیر در این زمینه نمی‌بیند و امیدوار است که طرف‌های دیگر نیز این راه را ادامه بدهند.

بخش نخست

بحث در فلسفه

اخلاق ایمانوئل کانت

احمد بستانی

عقیده بسیاری از صاحب‌نظران بنیان‌توریک و فلسفی حقوق بشر را باید در ایده‌آلیسم آلمانی جست‌وجو کرد؛ جریانی که برخی از بزرگ‌ترین فیلسوفان آلمانی را در بر می‌گیرد. در باب نسبت میان ایده‌آلیسم آلمانی و تحولات سیاسی - اجتماعی دو قرن اخیر (همانند انقلاب فرانسه، بیانیه‌های حقوق بشر، ظهور مارکسیسم و...) از یک‌سو، و مفاهیم و آموزه‌های سیاسی مرتبط با آنها (همانند برابری، دموکراسی، انقلاب، آزادی و...) از سوی دیگر، بحث‌ها و گفت‌وگوهای فراوانی صورت گرفته و بعضاً اظهارنظرهای متفاوت درباره‌ی چه‌گونه‌گی



این نسبت وجود داشته است. شاید یکی از علل این اختلاف‌نظرها، زبان پیچیده و مغلق این فیلسوفان باشد که فهم آثار متعدد آنها و استخراج نظام فکری واحد از این آثار را دشوار می‌سازد، افزون بر این‌که پیچیده‌گی و انتزاعی بودن افکار آنها را به‌ساده‌گی نمی‌توان بر مفاهیم انضمامی سیاسی - اجتماعی منطبق کرد. نسبت مکتب ایده‌آلیسم آلمانی و حقوق بشر، مورد بحث ما نیست اما برای پرداختن به بحثی که پیش رو داریم، اشاره به نکته‌یی ضروری به نظر می‌رسد و آن‌هم نسبت حقوق و آزادی در این فلسفه‌هاست. ایده‌آلیسم آلمانی را به عنوان مفهومی اساسی مطرح می‌کنند و حق، تماماً تحقق خارجی آزادی است. به عبارت دیگر، بنیاد حق به مثابه حق بشر همانا آزادی است. (۱) از سوی دیگر، می‌دانیم که مفهوم «سوئیکتیویته» به طور منسجم و اساسی

بشر به شمار آورد. تأکیدی که کانت بر سوژه بشری و استلزامات آن (مانند حق ذهنی، غایت بودن انسان‌ها، فردگرایی و...) دارد، در تثبیت و تحکیم مبانی فلسفی بیانیه‌های حقوق بشر در دو سده اخیر نقش غیر قابل انکاری داشته است. البته نمی‌توان کانت را پایه‌گذار مبانی نظری حقوق بشر دانست، چرا که این مبانی تا حدی پیش از کانت تدوین شده بودند اما همان‌گونه که برخی مفسرین نشان داده‌اند، باید فلسفه کانت و بیانیه حقوق بشر، هر دو را دو بیان از آن چیزی دانست که در فرانسه به روحیه قرن هجدهم (l'esprit du XVIIIe siècle) مشهور است. (۳) به عبارت دیگر، بیانیه حقوق بشر ۱۷۸۹ (و انقلاب فرانسه) را باید تجلی خارجی و فلسفه کانت (و ایده‌آلیسم آلمانی) به طور کلی را تجلی فکری و فلسفی عصر روشن‌گری دانست. به این ترتیب، کانت

هر چند بنیان‌گذار نظریه مدرن حقوق بشر نیست اما همان‌گونه که اشاره شد، نخستین فیلسوفی است که به تثبیت و تحکیم مبانی آن پرداخت و به جرأت می‌توان قرائت کانتی از جهان‌شمولی حقوق بشر (و فلسفه حقوق بشر به طور عام) را تا امروزه قرائت غالب دانست. فلسفه کانت نظام فکری پیچیده، گسترده و البته منسجم و پیوسته‌یی است و بحث حق و حقوق بشر از چشم‌اندازهای متفاوتی در آن قابل طرح است. ما در این نوشتار از منظر فلسفه اخلاق که به‌ویژه در کتاب نقد عقل عملی بیان شده و تنها با عطف نظر به یکی از جنبه‌های آن به فلسفه حق نظر خواهیم کرد. از این چشم‌انداز ما جنبه‌یی از فلسفه کانت را برجسته خواهیم کرد و سپس می‌کوشیم تبعات آن را در نسبت با حقوق بشر مورد بررسی قرار دهیم.

کانت قوانین اختیار را در مقابل قوانین طبیعی قرار می‌دهد و قوانین اخلاقی و حقوقی را در زمره قوانین اختیار قرار می‌دهد. می‌توان مبانی فلسفه حقوق کانت را در فلسفه اخلاق او جست‌وجو کرد، همان‌گونه که خود او نیز مباحث مربوط به حقوق را در ذیل درس‌های مابعدالطبیعه اخلاق مورد تأمل قرار می‌دهد. (۴) در فلسفه کانت، حق اساساً به گونه‌یی مطرح می‌شود که با حق بشر الزاماً یکسان می‌شود و به همین خاطر است که فلسفه کانت را می‌توان به معنای دقیق و کامل، یک فلسفه حقوق بشر دانست. نوآوری کانت در تبدیل حقوق طبیعی به حقوق بشر مدرن این بود که او حق بشر را نه بر یک اراده طبیعت بشری، بلکه بر طبیعت و سرشت اراده بشری - که همان آزادی است - مبتنی کرد. (۵) جایگاه فراطبیعی که کانت به اخلاق می‌دهد، موجب می‌شود که حق، اصل بالفعل خود را در ره‌اشدن از تعینات تجربی حاصل از طبیعت یا تاریخ یافته و بدین ترتیب اساساً حقوق بشر جهان‌شمول، یعنی حقوق بشر به ما هو بشر باشد. (۶) کانت برخلاف پیشینیان که قانون اخلاقی را بر عناصری چون تجربه، احساسات طبیعت، قرارداد و قوانین الهی مبتنی می‌دانستند، آن را صرفاً متکی به عقل می‌داند و می‌کوشد تا آن را از کلیه عناصر غیرعقلی رها سازد. (۷) فشرده‌یی از فلسفه اخلاق کانت برای فهم این‌که وی چه‌گونه این کار را انجام می‌دهد، ضروری است. بنیاد اخلاق از نظر کانت، اراده نیک است. اراده نیک، اراده‌یی است که همواره به گونه‌یی ذاتی یعنی به‌خاطر ارزش ذاتی خود خیر است، نه به‌خاطر غایتی که به وجود می‌آورد. کانت در توضیح معنای «نیک» و برای پرهیز از همان‌گویی در فلسفه اخلاق (اراده نیک، نیک است) توجه خود را به مفهوم تکلیف معطوف می‌سازد که به عقیده او، صفت اساسی آگاهی اخلاقی است. پس اراده‌یی که برای انجام تکلیف عمل می‌کند، اراده نیک است. قانون اخلاقی که بر تکلیف مبتنی است، همانند قوانین طبیعی دارای کلیت مطلق است و استثنابردار نیست.

بخش نخست

راه‌های رسیدن به آرامش درونی



مترجم: اعظم اسلامی مجد

مردم سال‌های سال است که می‌خواهند به بهترین شیوه‌های رسیدن به آرامش دست یابند. تکنالوژی و روش‌های مدرن زنده‌گی نتوانسته‌اند کمکی در این زمینه کنند و گاه حتا ما را از آنچه واقعاً در طلبش بودیم، دور کرده‌اند. مردم هم‌چنان تشنه رسیدن به آرامش روحی و ذهنی هستند و برخی از روش‌های قدیمی حتا از شیوه‌های جدید نیز موثرترند. این شیوه‌ها با استندردهای زنده‌گی کنونی ما مطابقت دارند و شاید بتوانند به شما آرامش درونی، همان‌گونه که می‌خواهید، هدیه دهند.

متمرکز شدن و نفس کشیدن

تنفس عمیق را تمرین کنید. نفس کشیدن یک راه ساده و موثر برای آرام کردن ذهن است. فقط باید مکان آرام و دنجی را انتخاب کنید و بعد به نفس کشیدن خود توجه کنید.

به یک نقطه متمرکز شدن را تمرین کنید

یک شمع روشن کنید و مدتی به شعله آن نگاه کنید. اجازه ندهید افکار دیگر، ذهن شما را پُر کنند و اگر فکری حواس‌تان را پرت کرد، دوباره خود را متمرکز همان نقطه قبلی کنید.

تماشا کردن را یاد بگیرید

آیا تاکنون شنیده‌اید که آرامش ذهنی را می‌توان حتا از طریق تماشا کردن برخی تصاویر نیز به دست آورد؟... مثلاً در اتاق‌تان عکس یک کوه پوشیده از برف یا گوسفندانی که در حال چریدن در مراتع هستند را بچسبانید.

روی افکار مثبت متمرکز شوید

هر چیز خوب و پامعنا می‌تواند روح شما را آرام کند، بنابراین بهتر است آنها را در ذهن خود مرتباً تکرار کنید.

از آب آرام‌بخش کمک بگیرید

اغلب مردم می‌گویند بعد از شاور گرفتن، احساس راحتی و آرامش بیشتری می‌کنند. یک دوش معمولی با آب نسبتاً گرم باعث آرامش اعصاب می‌شود. هم‌چنین می‌توانید محیط اطراف خود را از صدای آب پر کنید. می‌توانید یک CD تهیه کنید و صدای آب را بشنوید

چراغ‌ها را خاموش کنید، عودی روشن کنید و بگذارید صدای دل‌نواز آب، شما را به آرامش درونی برساند. در یک ظرف پاکیزه که بهتر است از جنس چوب، سفال یا سنگ باشد، مقداری آب بریزید و آن را در جایی از خانه که مرتباً جلوی چشم‌تان است، بگذارید. یا این‌که اگر برایتان ممکن است در خانه یک آکواریوم کوچک یا آب‌نما داشته باشید.

به طبیعت بروید

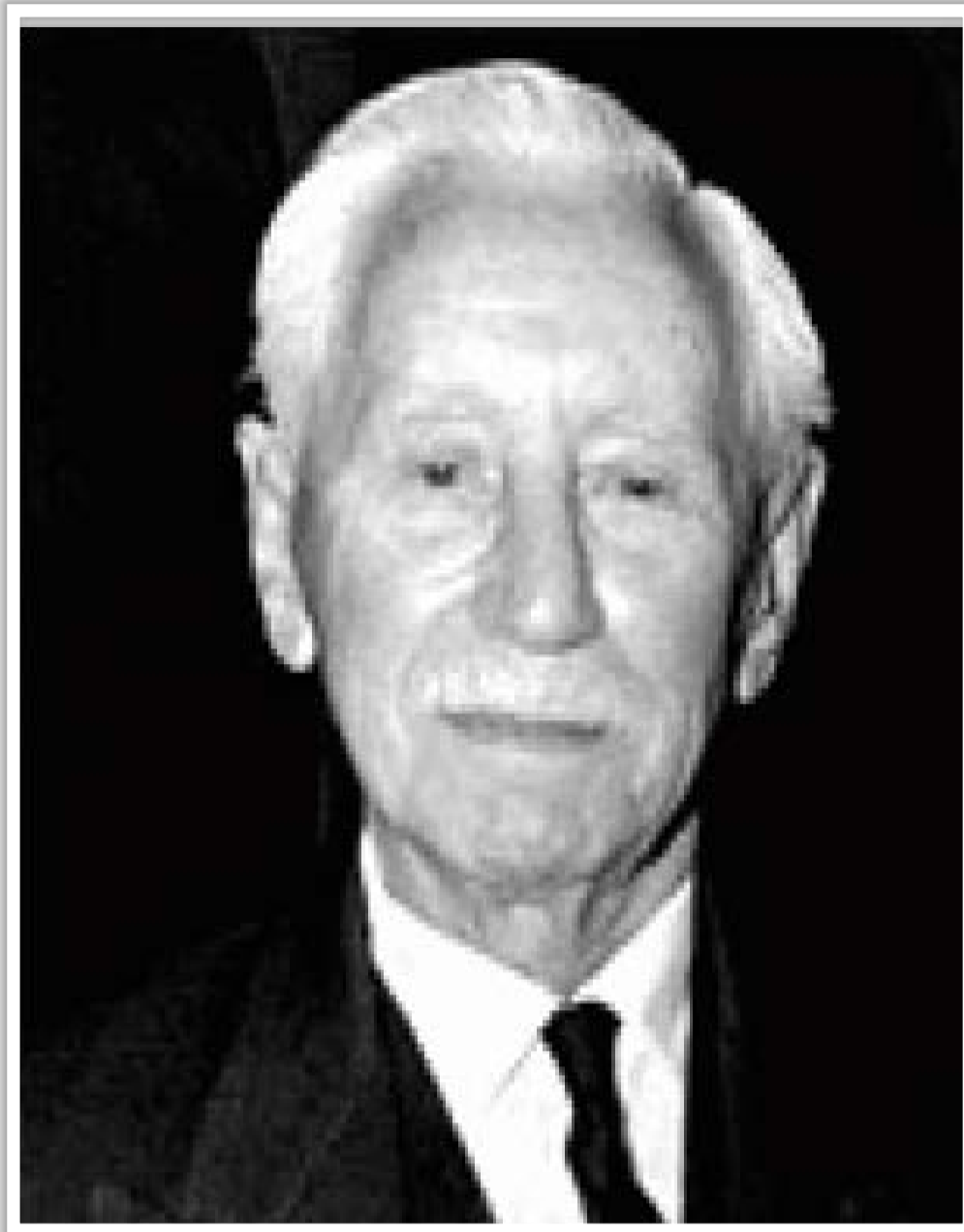
کمی راه بروید، حتا یک پیاده‌روی کوتاه نیز می‌تواند ذهن شما را آرام کند. سری به پارک محل زنده‌گی‌تان بزنید. خود را در محیط بسته خانه محصور نکنید. برای خودتان باغچه کوچکی درست کنید. رسیده‌گی به یک باغچه حتا به یک گلدان کوچک تأثیر زیادی در آرام کردن شما دارد. در واقع، طبیعت اثر مستقیمی روی روح انسان‌ها دارد. شاید در آپارتمان کوچک شما امکان گل‌کاری یا پرورش گیاهان و سبزی‌ها نباشد، ولی نگاه‌داری از یک گلدان گل غیرممکن نیست. بخشی از وقت خود را به تماشای حیوانات اختصاص دهید. تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد افرادی که بعد از عمل جراحی ارتباط بیشتری با حیوانات داشته‌اند، سریع‌تر بهبود یافته‌اند. شما نیز می‌توانید مدت کوتاهی به حرکات یک گربه نگاه کنید، اسب‌ها را تماشا کنید و ...

حمید پور موسوی

بخش سوم و پایانی

روح بشر می‌خواهد احساسات ضمیر خود را با قالب‌های مجسم و مادی تعبیر کند؛ به همین جهت است که رنگ و شکل را وسیله این تعبیر قرار می‌دهد. هنر وقتی آغاز می‌شود که انسان به فکر تزیین اشیا می‌افتد؛ شاید نخستین مرحله‌ی که انسان این احساسات خود را در آن متجلی کرده، مرحله کوزه‌گری بوده است و توانسته صنعت کوزه‌گری را به مرحله هنر برساند... هنگامی که کوزه‌گر بر روی ظرف‌های ساخته خود نقش‌های رنگینی نقش می‌کرد، در واقع هنر نقاشی را به وجود می‌آورد؛ زیرا نقاشی از متعلقات کوزه‌گری و مجسمه‌سازی محسوب می‌شد. مجسمه‌سازی نیز، مانند نقاشی، از فن کوزه‌گری نتیجه شده است. همین‌طور انسان اولیه احتیاج داشت که کوخ خود را با علامتی ممتاز سازد، یا پایه توتم را مشخص کند و یا برای مشخص ساختن گور پدران، عمل مجسمه‌سازی به صورت هنری پیدا شد. معماری از روزی پیدا شده که مردی یا زنی به فکر آن افتاده است که خانه‌ی که می‌سازد، (علاوه بر این که برای زنده‌گی مفید باشد)، از لحاظ ظاهر هم زیبا و دل‌پسند باشد. و شاید این فکر تزیین خانه، پیش از آن‌که به خانه‌های مسکونی تعلق گرفته باشد، در مورد مقابر عملی شده باشد؛ در همان حین که از میله تداکاری بالای گور، فن مجسمه‌سازی بیرون آمده، خود گور نیز به صورت معبد درآمده است؛ چه مردگان در نزد ملل اولیه، مهم‌تر و قوی‌تر از زنده‌گان به شمار می‌رفته‌اند.

قطعی است که انسان، پیش از آن‌که به فکر مجسمه‌سازی و بنای مقبره بیفتد، از نعمات لذت می‌برده و از بانگ و چهچه حیوانات تقلید کرده و، به آواز و رقص پی برده است؛ در واقع هیچ هنری نیست که بهتر از رقص، خصوصیت‌ها و اخلاق مردم اولیه را جلوه‌گر سازد... جشن‌های بزرگ، با رقص دسته‌جمعی یا انفرادی آغاز می‌شود؛ همین‌طور



نگاهی اجمالی به آرای ویل دورانت در باب زیبایی

(مانند بایرن و روسو و شوپن و هوگو...) که قدرت خیال بر عقل غالب است و حساس و عاطفی و درخشش هستند و شعر و نقاشی و موسیقی و فلسفه عشق، آفریده این‌هاست. بهترین آثار در جوانی‌شان است.

۲- نبوغ کلاسیک: غلبه عقل بر خیال و احساس (سقراط و سزار و گالیله و باخ و هگل...)، غلبه تصمیم و شکیبایی بر الهام و هیجان. آثار برجسته بعد از سی‌ساله‌گی و پیری است. از نیروی خود خیلی کم در راه شهوات شخصی بهره می‌برند (برخلاف رمانتیک‌ها) و همه را در راه هنر به کار می‌گیرند... هماهنگی، وحدت، توازن، و ترکیب: هنر منطبق و هم منطبق هنر است.

۳- میکلائز و بتهوون و ناپلیون، از آن روی برترند که هر دو نبوغ را به هم آمیخته و خود را تا حد انسان برتر بالا برده‌اند. نبوغ، زالوی انسان است (نیچه)، یعنی خورش را مکیده و شعله آن، وجودش را می‌سوزاند (همانند عشق). و اگر نبوغ و عشق هر دو به‌جان کسی بیفتد، گفتارش پُر از هیجان و درخشندگی خواهد بود اما صدایش زود خاموش خواهد شد. سرچشمه هر نبوغ و زیبایی و هنری، آن نیروی خلاق است که پیوسته نسل انسان را تجدید کرده و جاودانه‌گی زنده‌گی را تأمین می‌سازد... افراد طبقه متوسط نخست در پی فایده‌آنی هستند، به این امید که در پیری فرصت برای پرداختن به زیبایی را داشته باشند؛ اشراف گرچه هنر را حمایت می‌کنند، اما هنر زنده‌گی را به زنده‌گی هنری ترجیح می‌دهند.

پایان:

شاید نتیجه‌گیری نهایی که ویل دورانت پس از نیم قرن می‌کند این بود که "... معیاری عینی برای سنجش برتری هنری یا خوش‌سلیقه‌گی وجود ندارد: ولی ما می‌توانیم کمترین محک ذهنی بزرگی را در دامنه نفوذ خود در زمان و مکان و کمترین مقیاس ذهنی شهرت را در قابلیت ماندگاری آن پیدا کنیم..." اما توصیف‌هایش شنیدنی است: هنر به منزله زبانی است که همه کس آن را می‌فهمد... و محصول هنر از طریق چشم یا گوش یا لمس به روح دست می‌یابد و نه از طریق هوش و فهم. چون آن آثار را به صورت افکار و کلمات درآوریم، از زیبایی آن‌ها کاسته می‌شود. هر یک از حواس عالمی از آن خود دارد، بنابراین هر هنر وسیله و واسطه خاص خود را داراست که نمی‌تواند به الفاظ ترجمه شود.

حتا هنرمند هم درباره هنر بیهوده می‌نویسد... و چه‌قدر در مقابل هر اثر هنری کلمات بیهوده‌اند! هر هنری اصالتاً امتناع دارد از این‌که با واسطه عامل دیگری، غیر از خودش، ترجمه و تفسیر شود: به عبارت دیگر، هنر خاصیتی ذاتی و جدانشدنی داد که یا باید به تنهایی و ذاتاً بیان حال کند و یا اصلاً دم نزند. تاریخ فقط می‌تواند استادان هنر و شاهکارها را در خود ثبت کند، اما نمی‌تواند آن‌ها را به مغز ما منتقل سازد.

ساکت نشستن در برابر آثار هنری زیبا، بهتر از خواندن یک زنده‌گی‌نامه است... انسان عصر نوین چون شتاب‌زده و هراسان‌تر از آن است که بتواند به کمالی آمیخته به آرامش و سکون راه جوید، مبهوت در برابر این آثار می‌ایستد... از میان انگیزه‌های ضد و نقیض بود که بزرگ‌ترین پیروزی شکل بر ماده، در تمامی طول تاریخ هنر بشری حاصل آمد... و به ما هشدار می‌دهد که تنوع در لذت، از افراط در آن بهتر است. و در پایان سپاس‌گزاری می‌کند از میلیون‌ها انسان گمنامی که با آیین‌های هنری‌شان، خون تاریخ را جبران کرده‌اند.

منابع:

- تاریخ تمدن ۱۱ جلدی، ویل دورانت
- لذات فلسفه، همان
- تاریخ فلسفه، همان
- رازهای خوشبختی، راسل
- تاریخ فلسفه غرب ۳ جلدی، راسل
- پرونده زیبایی‌شناسی، مجله فلسفه نو

گردآوری و تنظیم:

ولی هنر حتا در خدمت به دین نیز نشان داد که با عشق، سر و سری دارد... و می‌بایست موجی از بربریت از روی سرزمینی بگذرد تا به دنبال آن، بار دیگر ندای زیبایی‌پرستی در آن سامان بلند شود... عناصر غیر دینی، بدن‌های موزون و پیکرهای لطیف در مقدس‌ترین و دینی‌ترین نقاشی‌های رنسانس، خود را سرزده جا کردند... پس از آن‌که رنسانس از رُم به ونیز رفت، عنصر غیردینی غالب آمده و عشق بر مستوری پیروز شد. همه خلاقان زیبایی (همانند هنر دینی که برای زنده ماندن از عشق کمک گرفت)، وزن و ایقاع را وارد میدان کردند اما ناگهان پای‌بند عشق شدند و آواز و شعر و رقص را آفریدند. تقلید در این دایره قدم گذاشته و در خلق پیکرتراشی و نقاشی شرکت جست، ولی موضوع تقلید را عشق جنسی و مهر فرزندی تعیین کرد. به‌نحوی که اگر وزن و تقلید را با انگیزه عشق بیامیزی، نهم ادبیات را می‌توان در دست گرفت.

این جریان باطنی نیروی عشق، برانگیزنده شوق خلاق هنرمند است... راسل هم کمابیش به این موضوع اعتراف دارد: «... آن‌چه اشعار غنایی شکسپیر را بی‌همتا می‌سازد آن است که سرشار از همان‌گونه وجد و نشاطی است که کودک دوساله را به نیایش سبزه‌زار برانگیخته بود... عشق، تجربه و عملی است که در آن همه وجود ما شاداب و تازه می‌شود؛ همانطوری که باران، علف و گیاه را بعد از خشکی طراوت می‌بخشد».

۱- نبوغ رمانتیک: این پیوند در برخی از هنرمندان به شکل آمیزش سریع علایق جنسی و هنر باهم درمی‌آید

خواندن بود. رفته‌رفته، مردم به صورت مبهمی، مفهوم گام موسیقی را فهمیدند... انسان وحشی، از ترکیب موسیقی و آواز و رقص، هنر نمایش و اپرا را ابداع کرد... و هزاران گونه نمایش صامت (پانتومیم) انجام می‌دادند تا بزرگترین حوادث قبیله یا کارهای حیات یک فرد را مجسم سازند. هنگامی که نغمه‌پردازی از این‌گونه نمایش‌ها جدا می‌شد، رقص به تیاتر مبدل گردید، و به این ترتیب یکی از بزرگترین صورت‌های هنری در عالم پیدا شد.

رابطه هنر با دین

در زیبایی‌شناسی، مایه‌ی از شرک و کفر است که موجب بی‌زاری و دوری دین‌داران از آن می‌شود و چیزی غیرعقلانی در آن وجود دارد که نظر روشن‌روانان شکاک را جلب نمی‌کند... اگرچه دین، منبع زیبایی نیست، اما مقامش در پیش بردن هنر، پس از عشق است. تا آن‌جایی می‌توان گفت که به کار بردن ستون‌های خشن برای نشان کردن قبور، منهای سنگ‌تراشی بوده است. و انسان اولیه به‌تدریج مجسمه خدای خود یا اجدادش را در سنگ به یادگار گذاشت... آغاز معماری از ساختن گور برای مرده‌گان است (مانند اهرام). ظاهراً آداب دینی و دسته‌های جشن و سرور، سرچشمه هنر درام است... آغاز درام جدید (که دنیوی‌ترین هنرهای امروز است) در نماز و نمایش‌های دینی قرون وسطا بود. حجاری در تزیین کلیساها درخشندگی تازه‌ی یافت و نقاشی بر اثر الهام از مسیحیت به اوج رسید.

جنگ‌های بزرگ، با گام‌ها و سرودهای جنگی شروع می‌گردد؛ و اجتماعات بزرگ دینی آمیخته‌ی از آواز و نمایش و رقص است... رقص برای انسان اولیه از امور جدی به شمار می‌رفته است؛ و هنگامی که می‌رقصیدند، تنها قصدشان خوش‌گذرانی و لذت نبود، بلکه می‌خواستند به طبیعت و خدایان چیزهایی را تلقین کنند و به وسیله رقص، طبیعت را به خواب مغناطیسی درآورده، به زمین دستور دهند که حاصل خوبی به بار آورد... اسپنسر ریشه رقص را در تشریفات می‌داند که هنگام بازگشت یک رییس پیروز شده از میدان جنگ به موقع اجرا گذاشته می‌شده؛ ولی فروید آن را تعبیری طبیعی از شهوات جنسی می‌داند و می‌گوید که رقص فنی است که به شکل دسته‌جمعی، حس عشق را برمی‌انگیزد. اگر به این دو، نظریه قبلی را (که رقص از جشن‌ها و آداب و مناسک دینی تولید شده) بیفزاییم، گویا به بهترین توجیه در این‌باره رسیده باشیم.

می‌توان گفت که نواختن آلات موسیقی، و هنر نمایش نیز از رقص تولید شده است... کما این‌که برای نیرومند ساختن احساسات وطنی یا جنسی به وسیله بانگ‌ها یا نعمات موزون، پیدا شدن چنین اسباب‌هایی ضروری می‌نموده است... انسان اولیه تمام موهبت خود را به کار انداخته و آلات مختلف را با رنگ‌ها و نقش‌ها و کنده‌کاری‌ها زینت بخشیده است و دهها نوع آلات موسیقی درست شده، که امروز به صورت عالی ویولون و پیانو درآمده است. کم‌کم، در میان قبایل کسانی پیدا شدند که کارشان رقصیدن و آواز

عاشورا؛

نه گفتن به فساد و فسادگستری

حلیمه حسینی

گذر ثانیه‌ها، گذر سال‌ها و روزها و ماه‌ها، گذر صورت غبارگرفته صحرائی که با خون شسته شد و بوی نامردمی وجودش را آغشت، هرگز نتوانست واقعه‌یی را که ۱۴ قرن پیش در دل صحرائ کربلا رخ داد، از حافظه تاریخ بزدايد.

زمین کربلا این روزها دل‌تنگ قدم‌هاییست که با ورودش، صحن او را مزین به زیبایی‌هایی کرد که تا کنون هم چنان بی‌بدیل بر تارک تاریخ می‌درخشند. آری کربلا، عاشورا و شهادت، و شهد و شاهد و شیرینی، همه به هم گره خورده‌اند. کربلا هرچند میزبان ضیافتی بود مالامال از اشک، آه و مریه و خون؛ اما هم‌چنان در قلب تاریخ، زیبا و باشکوه جلوه می‌کند. ضیافتی که شیرمردان و شیرزنانی در آن برای دیدار با معبود بی‌همتای‌شان، با یکدیگر به رقابت پرداختند و برای حفظ ارزش‌هایی جان باختند که روزگاری نه چندان دورتر، رسولی بزرگ و عزیز آن ارزش‌ها را به آنان رهنمون شده بود.

عاشورا هم چنان می‌درخشد. نیزه‌ها در رقصی ناهمگون، اشک و لبخند را تمثیل می‌کنند؛ اشک از خونی که از ماه‌پاره‌های دریده‌شده می‌چکد و لبخند از تلاوت شیرینی که سرهای بی‌تن زمزمه‌گر شده است. ملکوتی در دل صحرائی دل‌تنگ و دل‌شکسته!... شترها در حرکت‌اند، اسب‌ها بی‌سوار و خیمه‌ها گر گرفته می‌سوزند، رنگ‌ها همه در هم آمیخته و سرخی غروب دل‌گرفته کربلا با خون‌هایی که به زمین ریخته شده است، در کنار سرخی خون طفلی که به آسمان پاشیده شد، در حال رنگ باختن است.

بوی عود و ملکوت و بهشت می‌آید از قتلگاهی که بدن‌های بی‌سر، لگدمال سُم اسبان شده‌اند و چه غریبانه اسب‌ها شیبه می‌کشند؛ صداشان به ضجه‌های تلخی می‌ماند که شکایت از اطاعت دست و پا بسته‌یی دارد که خود به آن راضی نبوده‌اند و گویی که بخشی از بهشت در این قتلگاه خونین مدفون می‌شود. باد تلخ و سردی که می‌وزد، سردی قلب‌های یخ‌زده‌یی را با خود حمل می‌کند که انسانیت را به سخره گرفتند و رسوایی‌یی تاریخی را رقم زدند.

اما رسواتر از نیزه‌ها، شمشیرها و دشنه‌هایی که بر

در عملی‌سازی توافق‌نامه‌ها...

سفر داکتر غنی به چین را با دست‌آوردی‌هایی همراه می‌دانند؛ ولی به این باورند که چون افغانستان با امضا توافق‌نامه امنیتی با امریکا یک کشور بی‌طرف نیست، بل کشوری متحد غرب و ناتو محسوب می‌شود و چون این مساله برای چین معضل‌آفرین است؛ بنابراین ممکن است توقعاتی که ما از چین داریم، عملی نشود.

جاوید کوهستانی آگاه سیاسی- نظامی، دست‌آورد دکتر غنی از سفر به چین را امضای چند توافق‌نامه همکاری دوجانبه بین چین و افغانستان و همین‌طور تقاضا از چین برای همکاری در روند صلح افغانستان عنوان می‌کند.

او می‌گوید، تقاضا از چین برای فشار واردکردن به پاکستان برای به پای میز مذاکره کشاندن طالبان به منظور گفت‌وگو نیز یک دست‌آورد است.

این آگاه نظامی تأکید کرد، تشویق چین برای سرمایه‌گذاری در افغانستان و خواست حل مشکلات تجار افغانستانی با دولت چین و تفاهم‌نامه‌ها از جمله دست‌آوردی‌های مهم سفر داکتر غنی به چین به حساب می‌آید.

اما کوهستانی این دست‌ها را به دلیل تقابل چین و امریکا در برابر یکدیگر با چالش‌هایی مواجه دانسته تأکید می‌کند، چون افغانستان با دولت امریکا و ناتو موافقت‌نامه امنیتی امضاء کرده؛ بنابراین بعید به نظر می‌رسد که چین با افغانستان در این زمینه‌ها صادقانه

قلب و گردن بهترین‌ها نشست، دست‌هایی بود که به حرکت درآمدند و اراده‌های نامیومی که شکل گرفتند تا لکه ننگی ابدی را بر دامان تاریخ حک کنند. دست‌های بریده افتاده در کنار فرات شهادت می‌دهد، و خیمه‌های سوخته و اسب‌های بی‌سوار رها شده و صورت‌های سیلی خورده شهادت می‌دهند که کربلا، تابلوی بی‌بدیلی از زشت‌ترین و زیباترین اراده‌ها و اعمال آدمی است؛ همان آدمی که در فراز و نشیب تاریخ، گاه لغزیده است و گاه صعود کرده است. کربلا منزلگاهی بود و عاشورا فرصتی طلایی برای صعودی از خاک به افلاک که آدمی همیشه در انتظارش بوده است، و جنونی بود برای سقوطی خوف‌ناک که آدمی همواره از آن ترسیده است.

عاشورا و کربلا، صحنه پارادوکسیکال‌ترین حوادثیست که سقوط یکی، صعود دیگری را رقم زده است. کشتن معنای مرگ، و مردن حیاتی درخشان را معنا کرده است. عطش، آب را آبرو داده است؛ و خاک با خون، خمیرمایه عزتی شده که آزاده‌گان آن را سرمه چشم کرده و سرخی آن راهنمای‌شان در بروت سرگشته‌گی‌ها شده است.

دست‌هایی بر خاک می‌افتد و مردی رها می‌شود و به پرواز در می‌آید و با بریدن این دست‌ها، آن که برید، می‌افتد و سقوط می‌کند و در بند می‌شود و زندانی قفسی که رهایی برایش متصور نیست!

طفل شش‌ماهه‌یی گلوگاهش دریده می‌شود و خونش به آسمان می‌باشد و طفل آرام می‌گیرد و حرمله ناآرام تاریخ می‌شود!

مردی ظهر عاشورا قامت به نماز می‌بندد و تیرباران می‌شود؛ نماز معراج می‌شود و کمان‌دارانی به خفت گرفتار می‌شوند و تیرشان ننگین‌ترین و کمان‌شان نفرت‌انگیزترین‌ها در تاریخ ثبت می‌گردند!

مردی تنها، در برابر هزاران تن می‌ایستد و لحظه‌یی نمی‌هراسد، به عقب نمی‌نشیند و لرزشی در سیمایش دیده نمی‌شود، می‌جنگد و در نهایت از پا می‌افتد.

مردی بر زمین می‌افتد و عرش می‌لرزد، سری از تن جدا و بر نیزه می‌شود و سالار شهیدان نام می‌گیرد و لعنتی برای مردی دیگر تا ابد رقم می‌خورد!

زنی سراسیمه از خیمه‌گاه بیرون می‌آید و در میان

همکاری کند.

وی می‌گوید، چین به عنوان کشوری با توانایی زیاد اقتصادی علاقه زیادی به سرمایه‌گذاری در بخش معادن و نفت افغانستان دارد؛ اما توقعاتی که ما از چین داریم شاید ممکن نباشد؛ زیرا افغانستان با امضاء توافق‌نامه امنیتی با امریکا کشور دیروز نیست، بل کشوری متحد غرب و ناتو است و این مساله برای چین معضل‌آفرین است.

این آگاه نظامی با بیان این که در گذشته طرف افغانستان در اجرای موافقت‌نامه‌ها جلدی نبود، گفت: امیدوار استیم که دکتر غنی در عملی ساختن توافق‌نامه‌هایی که با کشورهای خارجی امضا می‌کند، مانند حامد کرزی عمل نکرده، جدی باشد.

در همین حال، عارف‌رحمانی عضو مجلس نمایندگان می‌گوید، دکتر اشرف غنی با سفر به چین حضور ضعیف افغانستان را پس از شش‌ماه جنجال‌های انتخاباتی، جبران کرد که این خود از لحاظ سیاسی یک دست‌آورد محسوب می‌شود.

او تأکید کرد، سخنان اشرف غنی مبنی بر اینکه به هیچ کشوری اجازه استفاده از خاک افغانستان علیه کشور دیگری داده نخواهد شد، نیز از لحاظ سیاسی بسیار با ارزش است.

به گفته او، هدف دکتر غنی از سفر به چین، جلب حمایت پکن از پروسه صلح بود؛ زیرا این کشور بالای پاکستان که حامی تروریستان خوانده می‌شود، نفوذ دارد.

او افزود، هدف دیگر دکتر غنی از سفر به چین علاوه

گردوغبار سُم اسبانی که صاحبانش برای جمع غنایم از بازمانده‌گان کربلا وحشیانه می‌تازند، گم می‌شود. اسارتی رقم می‌خورد و زینب (س) سالار غافله‌یی می‌شود که حرکت عارفانه و عاشقانه‌یی را در رگ‌های تاریخ به جریان می‌اندازد و عرفان و عشق و واله شدن و شنیدایی را به تصویر می‌کشد. یک زن ظاهر می‌شود در هیأت یک مرد، در هیأت یک سالار، در هیأت یک عارف، و مسیر تاریخ را تغییر می‌دهد، و صدایش که در دل تاریخ قلب‌های سرد و یخ‌زده را فرو می‌ریزد، همیشه تکرار می‌شود که «ما رأیت الا جمیلاً». زینب فقط زیبایی می‌بیند، و این حیرت‌انگیزترین احساسی است که یک زن در طول تاریخ تجربه کرده است!

آری، عاشورا به قامت یک تاریخ در مقابل ما ایستاده است. این روز تاریخی، حاصل یک نه گفتن بود؛ نه گفتن به ریاکاری، نه گفتن به ذلت، نه گفتن به شهوت‌پرستی و من‌محوری، نه گفتن به فساد و فسادگستری.

آری، عاشورا در مقابل‌مان با اندامی خون‌اندود ایستاده است. چشم‌ها را فرو می‌بندی و تمام وجودت نیرویی می‌شود برای همراهی، برای یکی شدن با ملودی درد و خون و اندوه، با ملودی رزم و عزم، با ملودی انسانیت و رشادت و بزرگی، با ملودی نه گفتن‌هایی که آزاده‌گی را رقم می‌زند.

آری، عاشورا ملودی نرم و گوش‌نوازیست که آزاده‌گان با هر ترنمش به رقص درمی‌آیند و دست رد به سینه دنیادوستی و خودپرستی می‌زنند. مرگ بهتر از زنده‌گی با ذلت است، اراده‌ها به حرکت درمی‌آیند و عاشورا آغازی می‌شود برای ذلت‌ستیزی و آزاده‌گی. آری، عاشورا رقم خوردن انسانی‌ترین اراده‌ها و اعمال است. این روز را باید تجلیل کرد و مبارک‌باد گفت. تسلیتی اگر هست، ظاهر امر است و در باطن، همان صدای زینب (س) است که گفت: ما رایت الا جمیلاً! در آموزه‌های عاشورا، زخم‌ها مرهمی هستند برای پیکر پاره‌پاره شده انسانیت، و فکر حسین (ع) مکتبی است که اگر آن را بشناسیم، دیگر کمتر با فساد و درد و رنج و بی‌عدالتی مواجه می‌شویم و به هر آن‌چه که در بندهمان کند و ذلت را به ارمغان آورد، همه‌گی «نه!» خواهیم گفت.

بر کمک‌ها، گسترش سرمایه‌گذاری در افغانستان بود تا از این طریف فضای فراخ اقتصادی در افغانستان ایجاد شود.

به باور این عضو مجلس، دکتر غنی تا حدودی در این زمینه موفق بوده است؛ اما با آن‌هم باید منتظر شد و دید که آیا این خواست‌ها عملی خواهد شد یا خیر. رحمانی می‌گوید، موافقت‌نامه‌ها بین دو کشور به منظور جلوگیری از بحران بین‌المللی و به منظور منافع کلان کشورها به امضا می‌رسد؛ اما چون حامد کرزی با هر کشوری موافقت‌نامه امنیتی امضا کرده بود، به همین دلیل این موافقت‌نامه‌ها به دلیل عملی نشدن ارزش خود را از دست دادند.

وی افزود، ولی ما امیدوار استیم که در دوران دکتر غنی این طور نشود و تا جای ممکن به آن پرداخته شود تا دوباره ارزشی را که از دست داده است، به دست بیاورد.

افغانستان و چین در عرصه‌های مختلف به ویژه اقتصادی روابط تنگاتنگ دارند.

شرکت‌های چینی برای استخراج مس عینک، بزرگترین معدن مس افغانستان، پروژه استخراج نفت در شمال افغانستان و اجرای برنامه‌های راه‌سازی سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی کرده‌اند.

در همین حال، دکتر غنی در این سفر با اشاره به اینکه سال ۲۰۱۵ با شصتمین سالگرد آغاز روابط دیپلماتیک افغانستان و چین مصادف است، پیشنهاد کرد که این سال به نام «سال دوستی و همکاری چین و افغانستان» نامگذاری شود.

صلح دشوار و اما...

سیاست خارجی ما از این خاطر است که زمینه صلح فراهم شود چون این یک هدف ملی ما است.

رییس جمهور غنی گفت افغانستان به هیچ کشوری اجازه نمی‌دهد که از خاک افغانستان علیه همسایه‌های این کشور استفاده کند. او گفت که کشورهای همسایه نیز نباید اجازه دهند تا از خاک آن‌ها علیه افغانستان استفاده شود. در همین حال قرار است مقام‌های افغانستان و پاکستان باهم دیدار کنند. رییس‌جمهور افغانستان گفت که در حال تدارک یک سفر به پاکستان است.

رییس جمهور غنی برای چندمین بار طالبان را مخالفان سیاسی خطاب کرده است. برخی‌ها انتقاد کرده اند که خطاب واژه «مخالفان سیاسی» برای طالبان درست نیست؛ زیرا این گروه با دولت و مردم افغانستان در جنگ است. اما رییس جمهور غنی گفت هرکسی که با نظام مشکل سیاسی داشته باشد، مخالف سیاسی است و مخالفت سیاسی گاهی به مخالفت مسلحانه تبدیل می‌شود. او گفت با کسی که دیدگاه مشترک سیاسی داشته باشد، نیازی به صلح نیست.

یکی از اهداف افغانستان این است که این کشور یک بار دیگر جایگاه قدیمی اش به عنوان راه ابریشم را احیا کند و به چهارراه آسیا تبدیل شود. اما دست یافتن به چنین هدفی به ابزار جدید امروزی نیاز دارد.

رییس جمهور غنی گفت تلاش می‌شود که افغانستان پاسخگوی نیازمندی‌های تجارت نوین باشد و با داشتن جاده‌های مناسب، خط آهن، پایپ لاین‌ها، شبکه های برق و بانک داری معیاری به این هدف دست یابد.

آقای غنی گفت: «تغییر جغرافیای افغانستان به جغرافیای اقتصاد سیاسی که به اساس آن ما بتوانیم نقطه وصل آسیای شرقی، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و آسیای غربی باشیم، انشاءالله عملی است. تهداب این گذاشته شده است.»

افغانستان به منظور فضای بهتر برای سرمایه گذاری اصلاحاتی را آغاز کرده است. حکومت وحدت ملی در نخستین اقدامات اصلاحی اش، دوسیه کابل بانک را باز کرد و پس از کنار رفتن سرپرست ستره محکمه، قاضی القضات جدید، به کارش آغاز کرده است.

اصلاحاتی در لوی دادستانی نیز در راه است. رییس جمهور غنی گفت لوی سارنوالی پس از این نمی‌تواند با تفتیش‌های مکرر برای سرمایه داران و تاجران مزاحمت خلق کند. اداره مبارزه با فساد نیز تنها صلاحیت دارد تا داری‌ها را ثبت کند.

روابط تجارتنی با چین

یکی از اهداف اساسی سفر چهار روزه رییس جمهور غنی به چین، تشویق سرمایه گذاران چینی برای سرمایه گذاری در افغانستان بود. سرمایه داران چینی تاکنون تنها بر مس عینک در لوگر و نفت آمودریا سرمایه گذاری کرده اند.

قرار است چین در سال جاری ۵۰۰ میلیون یوان چینی و در سه سال بعد همه ساله، ۱،۵ میلیارد یوان به افغانستان کمک کند. این کمک‌ها بلاعوض و مستقیم خواهند بود.

چین وعده داده است که زمینه تحصیل ۵۰۰۰ متخصص تخنیکی افغان را فراهم کند و ۵۰۰ بورسیه تحصیلی را نیز برای افغانستان در نظرگیرد. دو کشور تصمیم گرفته اند تا پارک های مشترک صنعتی و تکنالوژی را در افغانستان ایجاد کنند.

رییس جمهور غنی گفت افغانستان مطالعات ساخت جاده واخان را که افغانستان را به چین وصل می‌کند نیز آغاز خواهد کرد. در حال حاضر دو کشور روابط تجارتنی مستقیم ندارند.

چوکی‌های شوراهای ولایتی...

عدالت را تامین کند، در غیر آن به تظاهرات توأم با خشونت دست خواهند زد.

این نامزدان، کمیسیون‌های انتخاباتی را متهم به رشوت ستانی کردند و گفتند که در برخی از ولایت‌ها عضویت در شوراهای ولایتی قیمت‌های مشخصی داشت.

در این حال، برخی رسانه‌ها گزارش داده اند که اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی در بدل ده‌ها هزار دالر شماری از نامزدان را کامیاب و ناکام ساخته است.

این درحالیست که اخیراً کمیسیون شکایات انتخاباتی افغانستان گفت که آماده بررسی هرگونه اسنادی اند که از سوی کدام نامزد شورای ولایتی در رابطه به نتیجه انتخابات شوراهای ولایتی به آنان مواصلت کند.

استادان دانشگاه، اعضای مجلس و پژوهشگران:

تمرکزگرایی قدرت بی‌اعتمادی ملی را به بار آورده است



هارون مجیدی

شماری از استادان دانشگاه، اعضای مجلس و پژوهشگران با انتقاد از نظام به شدت متمرکز و بسته سیاسی در افغانستان می‌گویند که این نوع نظام سبب گردیده است تا مردم از حکومت رضایت نداشته و فاصله میان مردم و حکومت بیشتر شود.

آنان هم‌چنان می‌گویند که نظام‌های متمرکز و بسته نه تنها که در افغانستان نتیجه نداده، بل در دنیا نیز نتایج بدی را در قبال داشته است.

شماری از چهره‌هایی که در زمان تدوین و تصویب قانون اساسی افغانستان، عضو این لویه جرگه اضطراری بودند، می‌گویند: واضعان قانون اساسی به‌خاطری که جامعه افغانستان نامتجانس است و بنابر ناهنجاری‌های دیگری که در میان مردم افغانستان وجود دارد، صلاحیت‌های زیادی را به رییس جمهور دادند تا رییس جمهور با استفاده از این صلاحیت‌ها سبب استحکام وحدت و همبستگی میان مردم گردد؛ اما حامد کرزی رییس جمهور پیشین از این صلاحیت‌ها استفاده سوء کرده و سبب به میان آمدن شکاف‌های بیشتر میان مردم گردید.

داکتر طاهر هاشمی استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه کابل و از اعضای کمیسیون قانون اساسی می‌گوید: «نظام‌ها از لحاظ سیاسی- اداری تقسیمات به خصوصی دارند؛ یکی از سیستم‌ها، نظام متمرکز است. همان‌گونه که از نام آن بر می‌آید نظام متمرکز به آن نظام‌هایی گفته می‌شود که از لحاظ صلاحیت‌ها فقط یک مرجع صلاحیت وجود دارد که دولت مرکزی است؛ صلاحیت‌های دیگر بر اساس صلاحیت مرکزی به اندازه‌های مختلف به ولایات و بخش‌های کشور داده می‌شود.»

در عین حال، کاظمیه محقق استاد دانشگاه می‌گوید: در نظام‌های تمرکزگرا یک حکومت مرکزی قوی وجود دارد و تمام ادارات محلی تحت نظر حکومت مرکزی می‌باشد.

این استاد دانشگاه می‌افزاید: این نوع نظام در شرایط خاصی خوبی‌های خود را دارد که سبب وحدت بیشتر می‌شود و اگر دولت مرکزی قوی باشد، می‌تواند نظارت درستی بالای ادارات محلی خود داشته باشد و از بدی‌های این حکومت، یکی هم این است که قدرت‌مندتر شدن نظام مرکزی می‌تواند نقش مردم را در سیاست کم‌رنگ‌تر ساخته و انگیزه‌ها را برای همکاری با حکومت تضعیف سازد و هم‌چنان دست‌یابی به قدرت در این گونه نظام‌ها بسیار مشکل است.

هم‌چنان، عبدالحفیظ منصور عضو مجلس نماینده‌گان هم می‌گوید: در نظام متمرکز قدرت توسط یک شخص و یک گروه معین در مرکز دولت اداره می‌شود.

آقای منصور هم‌چنان می‌افزاید: «تمرکززدایی در نظام‌های تمرکزگرا با تفکیک قوا براساس آنچه که روسو و منتسکیو می‌گوید، شروع می‌شود و با ساختن پارلمان و قوه قضاییه تحقق می‌یابد و تا رسیدن به نظام فدرال که در آنجا ولایت‌ها از خود یک بخش اجرایی می‌داشته باشند و در مسایل اقتصادی و فرهنگی یک سلسله آزادی‌های خود را می‌داشته باشند، می‌رسد.»

پیامدها

اکرام اندیشمند نویسنده و پژوهشگر می‌گوید: پیامدهای تمرکزگرایی در افغانستان بی‌عدالتی اجتماعی، گسترش تبعیض قومی، مذهبی و حتا تبعیض محلی بوده است.

او، فساد اداری و مالی در افغانستان، رشد بی‌اعتمادی ملی، مختل شدن پروسه ملت‌سازی و ایجاد فاصله میان

حکومت‌کننده‌گان و حکومت شونده‌گان را از پیامدهای دیگر تمرکزگرایی در افغانستان دانست.

آقای اندیشمند خاطرنشان می‌کند: «اگر والی، رییس یک اداره و یا یک ولسوال در یک ولسوالی دور افتاده از طرف مرکز تعیین می‌گردد، او نیازی را احساس نمی‌کند تا در برابر مردم پاسخگو باشد و خود را خدمت‌گذار مردم بداند.»

آقای اندیشمند تصریح می‌کند: ذهنیتی وجود دارد، به هر اندازه‌یی که در افغانستان دولت متمرکز و اقتدارگرا شکل بگیرد، به همان حد می‌تواند ثبات را در افغانستان بیاورد؛ اما برعکس، در عمل نگریسته شده است که این یک ذهنیت درست نیست و دولت تمرکزگرا به هیچ وجه آورنده ثبات در کشور نبوده است؛ بل، این نوع نظام نوعی از ملوک‌الطوایفی و بی‌مسئولیتی را بین مردم و دولت ایجاد کرده است.

اکرام اندیشمند معتقد است: تمرکززدایی به این معنا نیست که نوع دیگری از نظام ملوک‌الطوایفی و یا بی‌قانونی ایجاد شود، زمانی که می‌خواهیم نظام متمرکز را تبدیل به نظام غیرمتمرکز کنیم، این کار در چارچوب قانون باید انجام شود. برای غیرمتمرکز ساختن نظام تمرکزگرا در افغانستان باید اصولی را وضع کنیم و مطابق قانون و اصول تمرکز را تعدیل کنیم؛ زمانی که تعدیل شد، بر مبنای قانون نظام غیرمتمرکز به وجود می‌آید و به همان حد ثبات سیاسی به وجود خواهد آمد و اعتماد ملی دوباره شکل خواهد گرفت و ما دوباره به طرف وحدت ملی بیشتر خواهیم رفت.

او می‌افزاید: «زمانی که یک والی احساس بکند که صلاحیت و مسؤلیت دارد و در برابر مردم پاسخگو است؛ در آن صورت قانون بهتر می‌تواند تطبیق شود و این نگره کاملاً اشتباه است که در نظام متمرکز می‌تواند قانون خود تطبیق شود و غیرمتمرکز شدن سبب قانون‌گریزی می‌گردد. به هر حدی که نظام متمرکز بوده به همان اندازه قانون‌گریزی، فساد، رشوه و عدم پاسخ‌گویی بیشتر بوده است.»

این پژوهشگر تأکید می‌کند: در حکومت وحدت ملی و توافقنامه‌یی که امضا شده است، تسجیل شده که لویه جرگه قانون اساسی باید برگزار گردد و در آن در زمینه تعدیل و اصلاح قانون اساسی بحث شود که ایجاد نظام پارلمانی - صدارتی خود یکی از راه‌های درست برای متوازن ساختن نظام سیاسی افغانستان است که سبب می‌شود تا ابعاد اجتماعی و ثبات سیاسی و توسعه سیاسی را نیز در کشور تحقق بخشد. به نظر من، یکی از اولویت‌ها و اساسی‌ترین وظیفه حکومت وحدت ملی، اصلاح و تعدیل قانون اساسی افغانستان است که باید کار روی آن از همین اکنون شروع شود، تا در آینده ما شاهد به میان آمدن نظام غیرمتمرکز باشیم که در آن تمام مردم افغانستان خود را شریک قدرت دانسته و احساس محرومیت نکنند.

هم‌چنان، عبدالحفیظ منصور عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: تا آنجایی که تاریخ سیاسی می‌گوید، ابتدای همه نظام‌ها متمرکز بوده است که در آن شاهان و یا امپراتوران حکومت می‌کردند و این امپراتور بود که همه کارها را به دست داشت و مشروعیت آنان نیز خانواده‌گی بود، اما تجربه بشری نشان داده است که نظام متمرکز می‌تواند نتیجه مصیبت‌بار و مشکل‌آفرین داشته باشد، چون این نوع نظام نمی‌تواند زمینه رفاه مردم را فراهم سازد و امروزه جوامع بشری از نظام‌های غیرمتمرکز رضایت بیشتری دارند.

این عضو مجلس تأکید می‌کند: تنها نظام‌های متمرکز در افغانستان مشکل‌زا نبوده است، این نوع نظام در همه جاها مشکلاتی را بار آورده و شهروندان از آن راضی

نبوده‌اند و مردم حکومت را از خود نمی‌دانند و تمایلی برای کار نمی‌داشته باشند و زمانی که مردم تمایل به کار نداشته باشند، زمینه برای مداخله‌های خارجی فراهم می‌شود و همه در کمین می‌باشند تا زمینه فراهم گردد؛ عدم رضایت در افغانستان سبب مداخله خارجی‌ها در تمامی زمینه‌ها شده است.

آقای منصور تصریح می‌کند: «عدم رضایت مردم هم‌چنان سبب می‌گردد تا جنگ، تجزیه طلبی و... به وجود آید، شعارهای مبنی بر حق‌خواهی و عدالت‌خواهی و هم‌چنان احزاب سیاسی و حرکت‌های اجتماعی حق‌خواهانه‌یی بر محورهای قوم و مذهبی به وجود آید. به گونه‌یی که در افغانستان ما افغان ملت، ستم ملی و جنبش ملی را داشتیم و این‌ها آله‌های فشار اند تا جایگاه خود را در قدرت تثبیت کنند.»

عبدالحفیظ منصور هم‌چنان می‌گوید: در نظام غیرمتمرکز زمینه حضور مردم مساعد می‌گردد؛ در این نظام تصمیم توسط یک گروه و یا حلقه صورت نمی‌گیرد، بلکه نهادهای مختلف در آن حضور می‌داشته باشد و تصمیم‌گیری در این نظام، بسیار پیچیده می‌باشد؛ ساختار اداری تو در تو و پیچیده شده و حضور بخش‌های مختلف در نظام تضمین می‌گردد و نهاد غیرمتمرکز می‌تواند مشکلات را زودتر حل کند.

محفوظ ماندن هویت‌های قومی و مذهبی یکی دیگر از ویژگی‌های نظام غیرمتمرکز است که آقای منصور از آن یادآوری می‌کند.

عبدالقیوم سجادی عضو دیگر مجلس نماینده‌گان می‌گوید: به گونه طبیعی مشارکت نهادها و حکومت‌های محلی در پروسه تصمیم‌گیری در نظام متمرکز کمتر است.

آقای سجادی می‌افزاید: در جوامع تقاضاهای مردمی برای مشارکت سیاسی بیشتر وجود دارد و جریان‌ها و احزاب سیاسی آماده‌گی لازم برای مشارکت در رهبری سیاسی را دارند؛ در این نوع جوامع توصیه می‌شود که از تمرکزگرایی عبور صورت گیرد و بخشی از صلاحیت‌های اداره مرکزی به ادارات محلی بر مبنای قانون تفویض شود.

این عضو مجلس تأکید می‌کند: «در افغانستان ما دو نگرانی را هم‌زمان داریم: هم نگرانی از ضعف وحدت ملی که در جامعه وجود دارد که گویا ممکن اگر صلاحیت بیشتر به محلات داده شود خطر تجزیه وجود دارد و از طرف دیگر نگرانی که وجود دارد این که تمرکز بیشتر در اداره مرکزی موجب شکل‌گیری استبداد سیاسی و انحصار سیاسی شده است و با توجه به تجربیاتی که در افغانستان شاهد بوده‌ایم، تمرکزگرایی یک نوع تمامیت‌خواهی و مطلق‌نگری را در اداره به وجود آورده است.»

آقای سجادی خاطرنشان می‌کند: با در نظرداشتن مطالباتی که امروز نزد مردم افغانستان برای مشارکت سیاسی وجود دارد، ایجاد می‌کند که بر مبنای قانون قوانین ادارات محلی به گونه تنظیم شود که بخشی از صلاحیت‌های اداره مرکزی به ادارات محلی داده شود؛ این می‌تواند علاقه‌مندی بیشتر برای مشارکت سیاسی را ایجاد کند و از طرف دیگر، به جریان سریع‌تر اداره و بروکراسی کمک خواهد کرد.

استاد طاهر هاشمی در این زمینه باور دارد: زمانی که در یک نظام قدرت متمرکز می‌گردد، نکات منفی در آن دیده می‌شود؛ یعنی، اداره به کندی پیش می‌رود. به گونه مثال اگر در بدخشان اتفاقی می‌افتد صلاحیت آن به دست حکومت مرکزی است و کسانی که در آنجا به نمایندگی از دولت مرکزی حکومت می‌کنند، صلاحیت اجرائی را ندارند؛ همین جاست که کارها

بنابر نیازمندی روز به پیش نمی‌رود. این استاد دانشگاه هم‌چنان می‌گوید: کشورهای نظیر عراق، اندونیزیا، افغانستان و... امروزه از نظام متمرکز استفاده می‌برند که در هر کشوری تفویض صلاحیت‌ها از هم تفاوت دارند.

این استاد دانشگاه هم‌چنان می‌گوید: در زمان آقای کرزی که قانون اساسی افغانستان تصویب شد و من که عضو کمیسیون قانون اساسی بودم، طرفدار نظام واحد مرکزی بودم، چون شرایط افغانستان ایجاب می‌کرد تا افغانستان به وحدت قومی، فکری و ملی پیدا کند و بعد از آن صلاحیت‌ها را به مراکز مختلف تفویض کنیم. از همین لحاظ خواسته شد که نه تنها که نظام واحد مرکزی باشد، بل صلاحیت‌ها هم در وجود یک شخص باشد. قانون اساسی ۲۴ صلاحیت را برای رییس جمهور داد و هدف واضعان قانون اساسی این بود که حکومت آقای کرزی به عنوان شخصیتی که بر بنیاد یک سلسله توافقات خارجی و داخلی به میان آمد، صلاحیت خود را به گونه‌یی تنظیم کند که همه مردم افغانستان از آن مستفید گردند؛ اما متأسفانه آقای کرزی به گونه‌یی که قانون اساسی انتظار داشت، از این صلاحیت‌ها استفاده نکرد و یک‌بار دیگر رژیم الیگارش‌ی متنفذین قومی به میان آمد.

این استاد دانشگاه باور دارد که در قانون اساسی افغانستان صلاحیت‌های بیشتری به رییس جمهور داده شده است که از این صلاحیت‌ها سوء استفاده‌های زیادی صورت گرفته است.

او از حکومت وحدت ملی می‌خواهد تا صلاحیت‌های رییس جمهور را اندک ساخته و نهاد‌های ریاست‌جمهوری و ریاست اجرایی در همکاری باهم کارهای بهتری انجام دهند.

تمرکزگرایی در تاریخ معاصر سیاسی افغانستان

آقای اندیشمند که در عرصه تاریخ معاصر افغانستان تا این دم چندین کتاب و مقاله نوشته است، با نگاهی به تاریخ می‌گوید: «امیر عبدالرحمن خان که بنیان‌گذار افغانستان معاصر است، سلطنت متمرکز مستبد را ایجاد کرد و به‌خاطر به میان آمدن این‌گونه نظام، جنگ‌های متعددی را با اقوام مختلف از جمله با پشتون‌ها انجام داد؛ بعد از آن جانشینان او، امیر حبیب‌الله خان، امیر امان‌الله خان و به همین ترتیب، زمانی که نادرشاه و بعد از آن فرزندش ظاهرشاه و هم‌چنان داوودخان قدرت را به دست گرفتند؛ تمام‌شان تلاش کردند تا نظام متمرکز را در افغانستان مستحکم بسازند. بعدها دولت‌های ایدئولوژیک به میان آمد که حزب دموکراتیک خلق نظام شبیه مارکسیستی را به وجود آورد که این حزب نظام توتالیتر شدیداً متمرکز را ایجاد کرد، در زمان مجاهدین که جنگ‌هایی صورت گرفت یک‌نوع متلاشی شدن قدرت و تمرکز قدرت ایجاد گردید که از راه‌های قانون صورت نگرفت و نمی‌شود گفت که در زمان مجاهدین نظام غیرمتمرکز توانست شکل بگیرد.»

آقای اندیشمند باور دارد که در یک دوره بسیار کوتاه دهه دموکراسی یعنی ده سال اخیر سلطنت ظاهرشاه و زمانی که صدارت از خانواده سلطنت بیرون می‌شود و در قانون اساسی آن زمان تسجیل شد که صدراعظم باید از خانواده سلطنت نباشد و پنج صدراعظم به میان آمد که اگر همان اصلاحات دوام پیدا می‌کرد، شاید گام‌های خوبی به طرف غیرمتمرکز ساختن نظام سیاسی برداشته می‌شد که آن دوره در اثر کودتای داوودخان ناکام باقی ماند.

آقای اندیشمند با توجه به دوره حکومت‌داری سیزده سال اخیر در کشور می‌گوید: در زمان حکومت‌داری آقای کرزی متأسفانه یک نظام شدیداً متمرکز ایجاد گردید که سبب شد تا فساد اداری و مالی به وجود آید و گسترش یابد و به نحوی تبعیض غیر مرعی قومی- مذهبی در افغانستان نهادینه گردد که تا هنوز هم شاهد تبعات منفی آن در کشور هستیم.

آقای اندیشمند با بیان این که در این دوره ثبات سیاسی به وجود نیامد و سیاست قومی باقی ماند، گفت: با وجود آزادی بیان و مطبوعاتی که در این زمان قابل توجه بود و شکل گرفت، اما سیاست تمرکزگرایی آقای کرزی سبب شد تا ثبات سیاسی پایدار و قابل اعتماد مردم و جامعه سیاسی افغانستان شکل نگرفت.

در عین حال، کاظمیه محقق استاد دانشگاه باور دارد که پیشینه حکومت‌داری در تاریخ معاصر افغانستان بیشتر مطلقه بوده است.

این استاد دانشگاه می‌افزاید: سابقه این نوع برخورد سبب گردید که ما در سیزده سال پیشین حکومت تمرکزگرا داشته باشیم.

Mandegar

در دو حمله طالبان ۱۰ تن کشته و ۴۶ تن دیگر زخمی شدند



دو حمله جداگانه طالبان در پروان و لوگر کشته و ۴۶ تن زخمی برجای گذاشت. در حمله راکتی طالبان بر پایگاه امریکایی‌ها در نزدیکی بگرام ۲۶ زندانی زخمی شدند. در لوگر نیز بر اثر انفجار ۱۰ پولیس کشته و ۲۰ ملکی زخمی شدند. یک مقام امنیتی گفته است که روز شنبه در اثر حمله با بمب موتوری در شرق افغانستان دست کم ۱۰ تن کشته شده و ۲۰ تن دیگر زخمی گردیده اند.

دین محمد درویش، سخنگوی والی لوگر گفت: «امروز بعد از ظهر یک بمبگذار انتحاری موتورش را در یک منطقه مزدحم در ولسوالی ازره منفجر ساخت». درویش افزود: «شش پولیس محلی و چهار سرباز کشته شدند و همچنان ۲۰ نفر ملکی زخمی گردیدند».

او نگفت که هدف حمله‌کننده چه بوده است، اما گفته است که در میان زخمی‌ها شش طفل نیز وجود دارند. تا اکنون کسی مسوولیت این حمله را ننگرفته است.

حمله راکتی ۲۶ زندانی بگرام را زخمی کرد در یک مورد جداگانه، یک مقام امنیتی گفته است دست کم ۲۶ زندانی بگرام هنگامی زخمی شدند که طالبان راکتی را بر یک پایگاه نظامی ایالات متحده امریکا در نزدیکی این زندان شلیک کردند. ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع گفت: «این راکت توسط شورشیان در اواخر جمعه شب شلیک شد». بیشتر زندانی‌های محبس

۲۰۰ افسر پولیس زن برای آموزش به ترکیه اعزام شدند



وزارت داخله افغانستان روز شنبه ۲۰۰ افسر پولیس زن را برای آموزش‌های بیشتر به ترکیه فرستاد.

صبح روز گذشته این افسران زن طی یک مراسم ویژه که در فرودگاه بین‌المللی کابل برگزار شد به ترکیه اعزام شدند. اعزام این تعداد از افسران زن به خارج از افغانستان تاکنون بی‌سابقه بوده است.

روابط فرهنگی افغانستان و ترکیه مدرن به صورت رسمی با امضای نخستین قرارداد فرهنگی بین دو کشور در اول ماه می سال ۱۹۲۱ میلادی آغاز شد که بر اساس آن ده‌ها دانشجو و از جمله چند دختر در سال ۱۹۲۳ برای آموزش‌های عالی به ترکیه اعزام شدند.

ایا وسله وال مخالفان هم سیاسی کبدای شي؟



د سوله ییزو مبارزو له لارې مخ ته وړي. هېڅکله سیاسي مخالفان د هېواد له ملي گټو او ملي شتمنی سره په ټکر کې کړنې نه ترسره کوي، نه خلک وژني او نه هم د نظام له منځه وړل غواړي. بلکې هغوی حکومت تورنوي چې د خلکو لپاره ښه خدمات نشي وړاندې کولای، ملي گټې نشي تامینولای او په دې برخه کې ځانونه ښه گڼي.

د دې لپاره چې خلکو ته د خدمت مصدر وگرځي او د خلکو د هوساینې د هېواد د ابادۍ او پرمختګ لپاره خپل پروگرامونه پلي کړي نو له دېموکراتیکو لارو څخه د واک د لاسته راوړلو هڅې کوي.

که چېرې په ځینو برخو کې د حکومت دریځ پر ځای او مناسب وي له هغه ملاتړ کوي. مگر طالبان هېڅکله دا ډول مبارزه نه کوي. بلکې هغوی وسله وال مخالفت پیل کړی دی. طالبان له دې نظام سره مخالف دي او دا مخالفت خلکو ته د خدمت کولو په سر نه دی، بلکې طالبان د دې نظام نابودول غواړي. بده یې لا دا چې طالبان په دې برخه کې خپلواکي نه لري او تر ډېره د پاکستان د استخباراتي شبکې او نورو کړيو تر لارښوونو لاندې عمل کوي. طالبان تل ملکي وگړي په نښه کوي، افغان امنیتي ځواکونه چې د دې خاورې د ساتلو مسوولیت یې پر غاړه دی، هغه وژني. د هېواد د رغونې او ابادۍ لپاره هېڅ ډول پلان او پروگرام نه لري، بلکې غواړي چې افغانستان له پرمختګه وغورځوي او یو ځل بیا یې د تیارو کندی ته یوسي.

نو د کوم منطق له مخې ښاغلی غني طالبان سیاسي مخالفان بولي؟ که چېرې هدف سولې ته د طالبانو را ماتول وي، خو دا کار په دې ډول ناشونی دی. طالبانو په امتیاز ورکولو سره سوله نشي راتللی، بلکې نورې لارې دې ولټول شي، چې طالبان او پاکستان سولې ته اړیاسي.

غني دې د ښاغلي کرزي په گنگه لار قدمونه نه ږدي. په کار ده چې د سولې لپاره نورې داسې لارې چارې ولټول شي، چې په افغانستان کې په طبیعي لحاظ د تلپاتې سولې راوستلو لپاره زمینه برابره کړي. نه دا چې طالبانو ته په امتیاز ورکولو سره هڅه وشي، چې هغوی سولې ته چمتو کړی شي. دا د سولې لار نه ده، بلکې هر څومره چې افغان حکومت طالبانو ته په امتیاز ورکولو قایلېږي هماغومره د طالبانو غوښتنې پورته ځي او د دولت پر وړاندې ترهگریزو بریدونو ته زور ورکوي.

ولسمشر اشرف غني د وسله والو طالبانو په گډون، د خپل حکومت سیاسي مخالفې ډلې د سولې له پروسې سره یوځای کیدو ته را وبللي.

نوموړې چین کې د اسيا زره هېوادونو ناستې ته په وینا کې وویل، چې مخالفې ډلې باید دا خیال له سره وباسي چې له افغانستان به د نړیوالو پرضد د جگړې ډگر جوړوي

د ده په وینا، سوله د افغانانو تر ټولو ستر لومړیتوب دی. د نوموړې په خبره، چې سیاسي مخالفینو، په ځانگړي ډول، وسله والو طالبانو ته بلنه ورکوي چې له افغانانو سره مذاکره وکړي او له نړیوالو ملاتړو یې وغوښتل، چې د افغانانو په مشرۍ او د افغانانو لپاره، د سولې د پروسې ملاتړ وکړي. اسوشیتد پرس اژانس وايي، د وسله والو طالبانو په وړاندې د اشرف غني او د افغانستان د پخواني ولسمشر حامد کرزي، د خبرو په لهجه کې څرگند فرق لیدل کېږي.

پخواني ولسمشر حامد کرزي طالبانو ته تل د ورور خطاب کاوه. هغه فکر کاوه چې طالبانو ته د ورور په خطاب سره به هغوی د سولې خبرو اترو ته لېواله شي او د همدې لپاره یې په بیا بیا له طالبانو وغوښتل چې د سولې خبرو ته چمتو شي. مگر طالبانو یې تل ځواب په بریدونو او چاودنو ورکړی دی. خو د پخواني ولسمشر خلاف اوسني ولسمشر اشرف غني طالبانو ته د سیاسي مخالفانو خطاب کړی دی. هغه لومړی ځل دا خطاب په کابل کې وکړ، چې طالبانو یې ځواب په کابل ښار کې په څو خانمرگو بریدونو، په یوشمېر ولایتونو کې په ډله ییزو بریدونو او جگړو سره ورکړ. په تازه اقداماتو کې طالبانو پر کابل ښار د شپې له لوري د راکټي بریدونو را توغول هم پیل کړي دي.

نه یوازې جگړه په هلمند کې له منځه نه تللي، بلکې په ننگرهار، کندوز او حتی بدخشان ته هم غځېدلې ده. یا طالبانو د ولسمشر غني د څرگندونو په غبرگون کې د اعتراض غږ پورته کړی دی.

ښاغلي غني په چین کې یو ځل بیا طالبان او د حکومت نور وسله وال مخالفان سیاسي مخالفان وبلل، په داسې حال کې چې سیاسي مخالفان ځانته تعریف لري.

سیاسي مخالفان هېڅکله وسله وال مقاومت نه کوي. په دې مانا چې هېڅکله د دولت خلاف وسله نه را اخلي. سیاسي مخالفان هغه دي چې نظام مني، د هېواد اساسي قانون مني، بلکې د حکومت له پالیسو سره مخالف وي، خپل دا مخالفت

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می پذیرد

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی	دفتار خارجي	نارسییده په منزل یا دفتار	سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی	سه ماهه - ۱۰۰ دالر	سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی	شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه - ۲۰۰ دالر	شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی	نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی	نه ماهه - ۳۰۰ دالر	نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی	یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی
	یک ساله - ۴۰۰ دالر	یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی	

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰